

اسناد تاریخ نگاری جنگ ایران و عراق (۲)

جنگ ، مجموعه متون تحقیقاتی جنگ ، گزارش راویان مجموعه گزارش های مربوط به یک عملیات بزرگ و مجموعه گزارش های نبرد در یک منطقه عملیاتی شکل گرفته است. این دسته بندی متناسب با نوع بهره برداری مرکز ، از نتایج تحقیقات و نیز جهت برنامه ریزی مرکز در چارچوب وظایف ، از جمله انجام کارهای مقدماتی تدوین و تألیف تاریخ جنگ است که توضیح بیشتری پیرامون آن از حوصله این نوشته خارج است. در اینجا تقسیم بندی فوق به کار نمی آید و بهتر است مرکز بر اساس مضامین این دسته آثار ، دسته بندی دیگری ترتیب دهد که بتواند توضیحات بیشتری درباره کار بدهد . این دسته بندی به قرار زیر است :

سری الف: آثاری که سطوح کارکردی و اجرائی و حوادث و وقایع جنگ در آن عمده است و جزئیات و دقایق خط مقدم و پشت جبهه ترسیم گردیده یا لحظات و روزهای حساس نبرد توصیف شده است .

سری ب: آثاری که بازگوکننده سیر جنگ در سطوح عالی سیاست گذاری ، برنامه ریزی ، تعیین استراتژیکی ، مدیریت تصمیم گیری برای انتخاب منطقه عملیاتی و انجام عملیات ، هدایت و فرماندهی و امثال و نیز حاوی تحلیل های سیاسی - نظامی درباره جنگ است .

سری ج: آثاری که در آن موضوعی واحد (آتش ، زرهی ،

اشاره : قسمت اول اسناد تاریخ نگاری جنگ در

«فصلنامه شماره ۱۳») به چاپ رسید قسمت دوم اسناد شامل

خلاصه ای از آثار و تالیفات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

است که از سوی آقای هادی نخعی تهیه شده است که بخشی

از آن در این شماره مورد استفاده قرار گرفته است .

الف: آثار و تالیفات مرکز

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ علاوه بر سرمایه گذاری وسیع در امر گردآوری اطلاعات و اسناد در طول ۸ سال جنگ ، به عنوان مرحله مهم تحقیقات مورد نظر که آماری از آن ارائه شد ، در زمینه تنظیم ، تدوین و تألیف و ارائه نتایج این تحقیقات نیز اقدامات قابل توجهی انجام داده است . بخشی از این اقدامات در جهت طبقه بندی و گویا کردن و قابل استفاده نمودن منابع تهیه شده است و بخشی از آن تالیفاتی درباره ابعاد و موضوعات مختلف جنگ است که هم اکنون نیز حجم قابل ملاحظه ای از کتب و متون مرجع تحقیقات جنگ را تشکیل می دهد.

ب: آثار منتشر نشده مرکز

بخش عمده آثار و تالیفات مرکز ، بیشتر به دلیل طبقه بندی مطالب ، منتشر نشده است . در آثار مزبور تقسیم بندی وجود دارد که در قالب عناوینی چون مجموعه گزارش های تفصیلی جنگ ، سلسله گزارش های اجمالی

حفاظت ، فریب ، شناسائی ، مهندسی ، نیروی هوایی) ، به صورت کلی یاد مقطع مشخصی از جنگ مورد بررسی قرار گرفته است .

سری د : گزارش های حاوی آمار و اطلاعات دسته بندی شده و کمیات و جداول .

سری ه : آثاری که بیشتر برای تقویت بنیه کارشناسی شرکت کنندگان در برخی مجامع و محافل مرتبط با امر جنگ تهیه می شده و حاوی تحلیل و تبیین و ارزیابی موقعیت خودی و دشمن و جمع بندی مقاطع جنگ است .

در اینجا با وجود محدودیت ناشی از رعایت طبقه بندی مطالب ، سعی می شود از هر دست نمونه هایی ارائه شود . توجه به چند نکته ضروری است :

به دلیل لزوم انتقال عین مطالب تهیه شده ، کلیه اسامی ، از جمله اسامی مقامات عالی مرتبه نظام و انقلاب ، بدون رعایت عناوین متداول (در آن روز و امروز) آورده شده است . این نه به دلیل عدم توجه به رعایت حرمت بلکه به دلیل سنخ خاص مطلب است که بخشی از یک گزارش طبقه بندی شده مربوط به یک مقطع زمانی خاص است . علامت .. گویای این است که مطالب قبل و بعد از آن در ماخذ قبلی دنبال هم نبوده برحسب ضرورت طبقه بندی یا اختصار ، مطالبی حذف گردیده است . این مطالب می تواند مختصر یا مفصل و طولانی باشد . توجه به شماره صفحه در پایان نقل قول ها که در پراکنش آورده می شود تا حدی نشان دهنده حجم مطالب حذف شده است .

نمونه های ارائه شده در هر قسمت ، بدون هیچ گونه ویرایش و توضیح و تیترو عنوان ، ارائه می شوند . این از سر بی توجهی نسبت به لزوم توجیه خواننده نیست ، بلکه حداقل در مورد قسمتی از مطالب ، هرگونه توضیح و ویرایش ، با محذورات (مرتبط با طبقه بندی مطالب) همراه می گردید که کلاً ارائه آن را منتفی می ساخت ، از این رو ترجیح داده شد که به طور کلی از هرگونه توضیح خودداری شود و تأمین نیاز خواننده به توجیه بیشتر و درک بهتر ، به زمان انتشار تألیفات

احاله گردد .

ترسیم صحنه های نبرد و بررسی وقایع جاری جنگ

نمونه های سری (الف):

نمونه های این قسمت به ترتیب تاریخ از آثار زیر انتخاب شده است :

۱- عملیات بدر

۲- عملیات لشکر ۲۵ کربلا

۳- عملیات لشکر ۸ نجف در کربلای ۴

۴- کربلای ۴ عملیات سرنوشت ساز (۲)

۵- عملیات قرارگاه قدس در کربلای ۵

۶- بیت المقدس ۲ - نگرش جدید به جنگ اصلی شدن جبهه شمال (جلد دوم)

۷- بیت المقدس ۳ - مرحله تصمیم گیری و انجام عملیات

۸- سقوط فاو

از : مجموعه گزارش های نبرد بزرگ والفجر

از : مجموعه گزارش های تفصیلی جنگ ابوالخصیب

از : مجموعه گزارش راویان - منطقه عمومی شرق بصره

از : مجموعه گزارش راویان

از : مجموعه متون تحقیقاتی جنگ .

از هر یک از منابع و آثار فوق ، بخش هایی انتخاب شده است که به ترتیب یاد شده درج می گردد :

نمونه (۱) از : عملیات بدر

آخرین وضعیت منطقه عملیاتی ق . نجف - ظهر روز سوم

از شمالی ترین منطقه عملیاتی (البیضه) به طرف پایین ،

دشمن سیل بند اول را کاملاً پس گرفته است . تیپ امام حسن ،

تیپ الغدیر ، لشکر امام حسین ، کاملاً به عقب برگشته اند ،

حرکت آنها حداقل از صبح زود همین روز آغاز شده بود .

لشکر نصر ، با از دست دادن چهارراه خندق کل سیل بند

متصرفی خود را از دست داده و به داخل پد عقب نشسته و خط

جدیدی تشکیل داده است .

لشکر ولی عصر نیز بر اثر فشار دشمن روی سیل بند به

سمت قرارگاه کربلا ، مداوم خورده شده و عقب نشینی

می‌کند.

در مجموع فقط پد خندق حدفاصل یک کیلومتری چهارراه (تقاطع پد با سیل بند) تا انتهای شرقی آن که در آخرین لحظات قبل از ظهر پاکسازی گردیده بود، در تصرف قرارگاه نجف باقی مانده است. از این پس تنها منطقه عملیاتی این قرارگاه پد خندق بود و تلاشها حول حل مسائل آن قرار می‌گیرد.

پس از دو روز و نیم، قرارگاه نجف تقریباً از رده خارج شده محسوب می‌گردد، این در حالی است که در شدیدترین نبردها صحنه‌های باورنکردنی از همت و شجاعت رزمندگان تحت امر این قرارگاه، ظهور یافته است و این نشان دهنده فشار شدید دشمن در این منطقه است.

مراجعه به گزارش لشکرهای تحت امر این قرارگاه می‌تواند وضعیت واقعی را بهتر ترسیم کند، در اینجا قسمتی از مشاهدات راوی لشکر امام حسین (ع) به قصد ارائه نمونه‌ای از آنچه انجام شده است، ارائه می‌گردد، با این تذکره که جمع بندی و تحلیل حقیقی از عملیات بدر در قرارگاه نجف احتیاج به تجزیه و تحلیل جزئیات فراوانی دارد و در این امر مختصر قضاوتی نمی‌توان کرد.

گزارشی از لشکر امام حسین (ع) - مشاهدات راوی لشکر آقاخان فرمانده گردان خط شکن روز دوم عملیات مجروح شد، برادر خرازی به وی گفت: "برگرد عقب برای مداوا و استراحت کن."

آقاخان گفت: نه چیزی نشده، بچه‌هایم جلو هستند، من باید بروم.

برادر خرازی اصرار کرد و گفت: "شما بروید عقب."

آقاخان در جواب گفت: "نه من نمی‌روم، مهم نیست. برمی‌گردم به خط."

یعنی چه وی چند ترکش به دست، پا، کتف و رانش بود، وی پس از ۲ الی ۴ ساعت استراحت به خط برگشته، همان شب شهید شد.

برادر شعربافچی، فرمانده پنجمین گردان عمل کننده،

شعربافچی پس از ۳ ساعت با نیروهایش به خط رفتند و همان شب عملیات کردند و همراه با ۱۷۰ نفر نیروهایش شهید شدند و همان جا ماندند.

برادر سلمانی یکی دیگر از فرماندهان خط شکن، تا آخرین لحظات و آخرین فشنگ جنگید. او با وجود جراحی که از اصابت ترکش آرپی جی بر صورت داشت، بعد از دستور عقب نشینی عقب نیامد و. تا ۱۰ ساعت پس از عقب نشینی در منطقه ماند تا نیرویی باقی نماند. برادر سلمانی پس از پیدا کردن یک مجروح او را بغل کرد و پس از ۹ ساعت شنای یک دست خود را به نیروهای خودی رساند. آن مجروح بین راه شهید شده بود. یک طرف صورت.. مثل آبکش سوراخ سوراخ شده بود.

برای بررسی منطقه عملیات و توجیه شدن جهت ادامه عملیات به خط می‌رفت که به شدت مجروح شد. ترکش به سر و کتف و دست و پایش اصابت کرده بود. او را نیمه بیهوش به پاسگاه فرماندهی (سیار) آوردند. حسین به شدت نگران شد. به او گفت: "برو عقب، شما حالتان خوب نیست. زخم‌ها خطرناک است."

وی گفت: "نه حسین این حرف را نزن، من همین جا می‌مانم و امشب عمل می‌کنم."

این را گفت و خوابید. بعد از حدود ۲ ساعت بلند شد و لباسهایش را عوض کرد و برای آوردن نیروهایش به عقب رفت.

شعربافچی پس از ۳ ساعت با نیروهایش به خط رفتند و همان شب عملیات کردند و همراه با ۱۷۰ نفر نیروهایش شهید شدند و همان جا ماندند.

برادر سلمانی یکی دیگر از فرماندهان خط شکن، تا آخرین لحظات و آخرین فشنگ جنگید. او با وجود جراحتی که از اصابت ترکش آرپی جی بر صورت داشت، بعد از دستور عقب نشینی عقب نیامد و. تا ۱۰ ساعت پس از عقب نشینی در منطقه ماند تا نیرویی باقی نماند.

برادر سلمانی پس از پیدا کردن یک مجروح او را بغل کرد و پس از ۹ ساعت شنای یک دست خود را به نیروهای خودی رساند. آن مجروح بین راه شهید شده بود. یک طرف صورت.. مثل آبکش سوراخ شده بود.

وقتی به برادر منصوریان فرمانده گردان امام حسین (ع)، پس از ۳ روز جنگ بی وقفه می گویند دستور عقب نشینی داده اند می گوید:

"من عقب نمی آیم. هر که می خواهد برود."

... همراه با عده ای از نیروهایش تا آخرین فشنگ جنگید و به اسارت درآمد و فردای آن روز صدای او از رادیو بغداد، به عنوان یک بسیجی ساده اصفهانی که به پدر و مادرش سلام می رساند، شنیده شد.

آقای مسئول محور یک (الصخره)، ایشان ظاهر آلر ولی ساکن اصفهان هستند. ترس برای او معنا ندارد. اصلاً تیر و ترکش و آتش دشمن را نمی شناسد، یعنی هیچ اهمیتی به آنها نمی دهد. هیچ خوفی در او دیده نمی شود. فقط به او نیرو می دهند و می گویند آن هم هدف.

سه شبانه روز در منطقه بود. می گفتند بیش از ۱۰ ساعت نخواهییده است. دائم در حال دویدن و داد و بیداد و جنگ بوده است. اینها ۴ مرتبه الصخره را گرفتند و بر اثر فشار دشمن پس می دادند. برای سومین بار که بچه ها الصخره را می گیرند (با ۱۵ نفر بسیجی این کار را کرده بود)، می گفتند آرپی جی از دست او زمین نمی افتاد. دائم شلیک می کرد. بالاخره پس از ۳ روز جنگ بی وقفه... در حالی که از خستگی و بی خوابی و ضعف بیهوش شده بود، با یک قایق به عقب آورده شد و به بهداری منتقل و بنا به توصیه پزشکان فوراً به او سرم وصل شد.

برادر ابوشهاب مسئول طرح و عملیات لشکر و معاونت

فرماندهی؛ به دلیل فعالیت بسیار زیاد جهت هدایت نیروها و حفظ خط، خستگی بر او غلبه کرده بود. وی به عنوان آخرین نفر بعد از عقب نشینی منطقه عملیات را ترک کرد در حالی که بیش از نیمی از بدن وی خیس و آب از آن سرازیر بود، تلو تلو خوران به پاسگاه سیار فرماندهی آمد و نیمه بیهوش افتاد.

پس از مدتی بچه ها زیر بغل و پاهای او را گرفتند و به قایق منتقل کردند تا او را به عقب برگردانند.

وضع فرمانده لشکر برادر حسین خرازی در پایان کار نیز گفتمی است. وی از شدت خستگی و پس از تحمل فشارهای از دست دادن کادرها و نیروهای لشکر و به جا ماندن تعدادی شهید و زخمی و از هم پاشیدگی لشکر و ناموفق بودن عملیات و عقب نشینی و... به گوشه ای افتاد. وی تا مدتی حرف نمی زد و به هیچ سوالی جواب نمی داد. راوی لشکر امام حسین (ع) -مشاهدات" (ماخذ یاد شده -ص ص ۱۶۳-۱۶۲)

نمونه (۲) از : عملیات لشکر ۲۵ کربلا "مجموعه

گزارش های نبرد بزرگ والفجر"

"در این شرایط علاوه بر لزوم اصلاح وضع نامناسب خط پدافندی، بایستی ابتدا مساله دید دشمن بر روی خط و در نتیجه عدم استتار مواضع خودی، که هر گونه حرکت و فعالیتی را در دید دشمن قرار می داد، حل می شد. از این رو احداث دیوارهایی (با گونی پراز خاک)، در طول خط مورد نظر قرار گرفت تا علاوه بر کور کردن دید دشمن، سلاح ها و سایر تجهیزات مورد نظر با استفاده از اختفای حاصله در خط به تدریج مستقر گردد.

در ابتدای امر، فعالیت های لشکر با به کار گرفتن تعدادی نیرو (۳۰ الی ۴۰ نفر از سربازانی که ژاندارمری در اختیار سپاه قرار داده بود)، و با هدایت برادرانی از لشکر از جمله معاونت فرماندهی و یکی از فرماندهان محورها تحت پوشش واحد جهاد کشاورزی سپاه آغاز و جهت فریب بیشتر دشمن (و نیروهای نفوذی احتمالی)، قبل از کشاورزی سپاه آغاز و جهت فریب بیشتر دشمن (و نیروهای نفوذی احتمالی)، قبل از اقدام مهندسی، کار با چیدن خرماي نخلستان ها شروع شد. چندین

کامیون خرما برای مصرف لشکر تهیه و به عقب انتقال یافت. پس از خرماچینی، اقدامات مورد نظر مشخص و مأموریت انجام آنها بین نیروهای موجود تقسیم گردید. ناگفته نماند که برخی از نیروها، از جمله برادران واحد اطلاعات که بایستی کارهای تخصصی خود را دنبال می کردند، در فراغتی که دست می داد، به دیگران کمک می کردند.

در مرحله بعد، اولین اقدام مسدود کردن نهرهای فرعی بود. این نهرهای انشعابی جزایر را آبیاری می کردند و مانعی مهم در تردد نیروهای خودی تلقی می شدند. عمل سد نهرها با چیدن گونی های پر از خاک در دهانه نهرها صورت گرفت. لازم به توضیح است که به دلیل خیس بودن زمین منطقه، خاک مورد نظر می بایست از محیط دیگر تهیه و به این محل انتقال یابد. در جمع بندی مربوط به آماده سازی منطقه، برادر کسائیان می گوید:

"در مجموع ما با گونی چینی و احداث جاده، قصد داشتیم جزایر را احیاء و زمین را طوری آماده کنیم که هر نیرویی تا قبل از عملیات بتواند به راحتی تا پشت خط بیاید و هم این که آتش

برادر دنیامالی مسئول مهندسی لشکر ۲۵ در

این باره می گوید:

"مجموعاً ۳۰ هزار کمپرسی خاک در منطقه خالی کردیم که به صورت سه شیفت در ۲۴ ساعت انجام شد."

از طرف دیگر نزدیکی به خط و صدای کامیون ها نیز برادران را دچار مشکلات حفاظتی می کرد. به هر صورت جاده های مورد نیاز احداث گردید. به این ترتیب که در هر کدام از ۵ جزیره واقع در محدوده لشکر یک جاده احداث شد که جاده عرضی را به خط وصل می کرد و از این نقطه به موازات خط گسترش می یافت.

خوب و پر حجمی را پشت خط مستقر نماییم."

... طی دوره یاد شده، منطقه تا اندازه ای جهت حضور گسترده لشکر آماده گردید... کلیه امکانات و وسایل تدارکاتی در شمال بهمن شیر و کلیه واحدهای ستادی به اضافه گردان های پیاده در ساحل جنوبی رودخانه استقرار یافتند. به این ترتیب، تدارک رسانی از طریق آب آموزش داده می شد و این برای آمادگی واحدهای پشتیبانی، بالاخص در توزیع آب و غذا، تمرین مناسبی بود تا بعدها در موارد مشابه ورزیدگی پیدا کنند.

در طول استقرار در طرفین بهمن شیر، برادران امکانات خود را با قایق، از طریق رودخانه تأمین و توزیع می کردند و به هیچ وجه اجازه استفاده از پل های روی بهمن شیر داده نمی شد.

به موازات فعالیت لشکر در آماده ساختن عقبه، شناسائی با کیفیت خوبی صورت می گرفت که در بحثی مستقل به کم و کیف آن خواهیم پرداخت.

همچنین از طراحی مانور نیز در این مدت نتایجی گرفته شد که توضیح داده خواهد شد.

... ادامه فعالیت و تکمیل کار مهندسی

در طول دوره اول که محدودیت امکانات وجود داشت، جاده های ارتباطی که از عقبه به جاده های عرضی کشیده شده بود، ترمیم، تعریض و شن ریزی گردید و روی جاده عرضی نیز کار شد. پس از رفع محدودیت انتقال و وسایل به جزیره آبادان و شدت یافتن کار، روی جاده های داخل جزایر سرمایه گذاری شد.

از جاده عرضی به طرف جلو (خط)، منطقه باتلاقی و پر آب بود. در نتیجه احداث جاده مستلزم آوردن خاک و شن و ماسه از خارج نخلستان بود و از این جهت حجم کار زیادی را به خود اختصاص می داد.

برادر دنیامالی مسئول مهندسی لشکر ۲۵ در این باره می گوید:

"مجموعاً ۳۰ هزار کمپرسی خاک در منطقه خالی کردیم که

به صورت سه شیفت در ۲۴ ساعت انجام شد.

از طرف دیگر نزدیکی به خط و صدای کامیون‌ها نیز برادران را دچار مشکلات حفاظتی می‌کرد. به هر صورت جاده‌های مورد نیاز احداث گردید. به این ترتیب که در هر کدام از ۵ جزیره واقع در محدوده لشکر یک جاده احداث شد که جاده عرضی را به خط وصل می‌کرد و از این نقطه به موازات خط گسترش می‌یافت. در رابطه با رعایت حفاظت و در عین حال ایجاد تسریع در کار مطالب زیر قابل ذکر است:

کار در خط به طور شبانه‌روزی صورت می‌گرفت. در روز خاک از عقب آورده شده، در نزدیکی جاده عرضی دیو می‌شد و شب به وسیله نیشان کمپرسی و حتی با کمپرسی‌های بزرگ که برای جلوگیری از صدا، در عقب آن برداشته شده بود، به جلو انتقال می‌یافت، جاده‌ها نیز حتی الامکان در لابلای نخل‌ها احداث می‌گردید و تأکید بر این بود که نخلی جهت ایجاد جاده قطع نشود و این مسأله حفاظتی به شدت رعایت می‌گردید.

قابل ذکر است که جاده‌های احداث شده در داخل جزایر به هیچ وجه در زمان بارندگی قابل استفاده نبود و به همین دلیل ضایعاتی به دستگاه‌های مهندسی وارد می‌آمد، از این رو شن ریزی جاده‌ها به دلیل وضعیت جوی منطقه ضروری به نظر می‌رسید.

از طرفی محدودیت زمان و امکانات، اجازه این کار را نمی‌داد. بنابراین برای شن ریزی جاده‌ها اولویت بندی به عمل آمد. ابتدا شن ریزی جاده جزیره بوفلفل که در حدفاصل جاده آسفالت خسروآباد تا خط است، در دستور کار قرار گرفت و جاده‌های دیگر در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند که تا قبل از عملیات شن ریزی نشده باقی ماندند.

سرانجام تا شب عملیات موفق شدند در ۴ جزیره (حدفاصل نهرهای سعدونی رفیه و رفیه - حمیه و حمیه - بوفلفل و بوفلفل - بوسدرین) دیواره مورد نظر از تکمیل و نیز موضعی را برای استقرار ادوات و توپ‌های ضد هوائی و سکوی تانک احداث نمایند. نیز جهت حفظ نیرو و هنگام تردد،

دالانی دو جداره با بشکه‌های پر از خاک و یا گونی درست کردند.

این دیواره به طور متوسط ۱/۵ تا ۲ متر ارتفاع داشت و عموماً از گونی‌های یکسان که نیم متر طول داشتند، تشکیل شده بود. قطر دیواره نیز حداقل نیم متر یا بیش از آن بود. قطر آن در جلوی محل‌هایی که برای استقرار ادوات یا توپ‌های ضد هوائی در نظر گرفته شده بود، باریک و یک جداره بود. در موعد مقرر، گونی‌ها فرو ریخته، سلاح مورد نظر فضای لازم را برای کارایی خود می‌یافت. زیر بعضی از این سکوها که می‌بایست در سطح بالایی از زمین قرار گیرند، محلی برای آنها مشخص شده بود که از جهت استحکامات نیز قابل ملاحظه و مناسب بود. صدوسی هزار گونی طی این مدت مصرف گردید.

(ماخذ یاد شده ص ص ۳۰-۲۶)

در مرحله تخصصی، نزدیک به ۳۰۰ نفر غواص خط شکن دوره دیدند. نیروهای تخریب نیز آموزش‌های مزبور را همراه نیروهای پیاده گذراندند.

سایر نیروها نیز بر مبنای مأموریت‌های خود آموزش می‌دیدند. ولی آنچه که بین همه نیروها به طور مشترک آموزش داده می‌شد، سوار قایق و پیاده شدن از آن در ساحل دور بود که بدون استثناء در روزهای آخر حضور در بهمن شیر هنگام روز صورت می‌گرفت.

علاوه بر آموزش‌های تخصصی مربوط به عملیات، تیراندازی، آموزش پدافند ش.م.ر. و استفاده از ماسک و... نیز انجام گرفت.

جهت آشنائی نیروها با مانور عملیات، آموزش دیگری در نظر گرفته شد. به همین سبب چندین بار مانور شکستن خط یا جنگ در شهر انجام گردید. برای انجام مانور در هر معبر، راهنمایی برای غواصان مشخص شده بود و غواصان با سازمان مشخص و آرایش خاص خود مانور می‌دادند. برای انجام مانور مزبور، ساحلی شبیه به ساحل دشمن با موانع مشابه احداث گردید. عمدتاً مانورها در روز انجام می‌گرفت. البته فرمانده گردانهای خط شکن تمایل داشتند که در شب نیز مانور

انجام شود. ولی وقت اجازه نداد تا مانوری در شب انجام پذیرد.

در آموزش های مزبور، تاکتیک و روشهای مختلفی در باز کردن معبر و یورش به خط مقدم دشمن به آزمایش گذاشته شد. به عنوان نمونه جهت عبور از سیم خاردارها، ابتداء در نظر بود که برای چیدن آنها از سیم بر استفاده شود. لیکن بدلیل لزوم رعایت سکوت در شب از این کار صرف نظر و قرار شد با گذاشتن تعدادی گونی که نفرات در شب عملیات به منطقه حمل می کردند، روی سیم خاردارهایی که نیروهای تخریب از دو طرف جمع می کنند، معبر قابل استفاده گردد.

در مورد موانع خورشیدی شکل نیز، طبق نظر نیروهای شناسائی، مشکل عمده ای وجود نداشت و این برادران، عبور از زیر یا لابلائی آن را ممکن می دانستند. البته برای از میان برداشتن موانع مذکور نیز تمریناتی صورت گرفت و بر این اساس مقداری مواد منفجره ۵۴ بافتیله و دیگر لوازم آن تهیه شد که با کیسه های مخصوص در آب قابل حمل بود. طی تجارب مفیدی مشخص گردید که مواد مذکور اگر در محل تلاقی میله های خورشیدی کار گذاشت شود و با مقداری گل به خورشیدی چسبانده شود، بهترین نتیجه را در پی خواهد داشت.

مانور دیگر برای آموزش دو گردانی بود که مأموریت تصرف شهر فاو و تأسیسات نفتی آن را به عهده داشتند. نیروهای یکی از این دو گردان (گردان مالک) می بایست آموزش جنگ های شهری را نیز ببینند. به همین دلیل، عناصری مأمور شدند تا آموزش های تئوری را انجام دهند. اماروشن بود که آموزش تئوری به تنهایی کافی نیست و مانور آموزشی نیز باید انجام شود. برای همین منطقه ای در شهر آبادان برای تصرف در نظر گرفته شد که دارای تانک فارم های مشابه شهر فاو بود. طبق برنامه قبلی، گردان های مالک و مسلم با پیمودن نزدیک به ۳۰ کیلومتر پیاده روی وارد عمل شده، بدون تیراندازی نحوه پاکسازی را طبق مانور پیش بینی شده تمرین کردند. منطقه انتخاب شده و مانور انجام یافته از نظر فرماندهان

گردان های مالک و مسلم متفاوت بود. برادر اکبر نژاد فرمانده گردان مسلم می گوید:

"۹۰ تا ۹۵٪ مشابه منطقه عملیاتی بود و تأثیر زیادی در شب عملیات داشت.

(۶۴/۱۲/۱۱ نوار مصاحبه)

جمع بندی: در مجموع، حجم آموزش و کیفیت آن از یک طرف و کیفیت کادر موجود گردان ها، آنها را به گردان هایی چابک و آماده مبدل ساخته بود. اکثر کادر گردان ها از برادران با تجربه بودند. به عنوان مثال، برادر اکبر نژاد فرمانده گردان مسلم از برادرانی است که با حاج احمد متوسلیان و شهید حاج همت از ابتداء در آموزش های سپاه هم دوره بوده، همواره در جبهه های جنگ با مسئولیت های مختلف حضور داشته است. اکثر فرماندهان گردان های دیگر نیز از فرماندهان عملیاتی در پایگاه ها و شهرستان های مازندران بودند. کادر موجود در گردان مالک عمدتاً از برادرانی تشکیل می شد که در کردستان و درگیری های شمال و جنگ حضور داشته، در طول جنگ تجربه های خوبی آموخته بودند." (ماخذ قبلی ص ص ۴۰-۳۸)

حفاظت:

امر حفاظت، در تمامی مراحل آمادگی لشکر مورد توجه خاص فرماندهی قرار داشت و کلیه برادران با حساسیتی که از سوی فرمانده لشکر اعمال می شد، تلاش خود را بر رعایت آن مبدول می داشتند.

برای هر تازه واردی، از همان ابتدا رعایت حفاظت مشخص بود. فعالیت های مربوط به عملیات، تحت پوشش های خاص انجام می گرفت. به عنوان نمونه، شروع فعالیت نیروهای اطلاعاتی لشکر در منطقه عملیاتی طوری بود که سایر نیروهای یگان، از محل فعالیت آنان بی خبر بودند و تردد نیروهای اطلاعات به یگان خود، همراه با پوشش انجام می شد. طوری که تصور می شد، تلاش آنان برای آمادگی عملیات در غرب است. در این رابطه برادر طوسی می گوید:

"ما نیروها را به عنوان غرب آوردیم. طوری جا انداخته

"همین که به ساحل دشمن رسیدیم ، یک مرتبه عراقی ها که وحشت از صدایشان مشهود بود ، همدیگر را صدا کرده ، سنگرها را به سرعت پر کردند و شروع کردند به تیراندازی و ریختن آتش ، ما درست زیر یک دو لول بودیم که مداوم می زد . با تیربار و آرپی جی ۱۱ شلیک می کردند . پنج سنگر جلوی ما بود که دائم تیراندازی می کردند . ما زیر سنگرها خوابیده بودیم ، یعنی موانع خورشیدی را پشت سر گذاشته بودیم . وقتی آتش شدید شد ، بچه ها گفتند شروع کنیم ، ولی به فکر من رسید که این نشانه عملیات نیست چرا که آتش از طرف خودی نبود ."

رسیده ، خود را لابلای چولان ها پنهان کرده بودند و گاه نیز در میان رودخانه مشغول عبور بودند . به عنوان نمونه ، برادر آذربینا مسئول اطلاعات معبر ۸ در مصاحبه تاریخ ۶۵/۷۶ توضیح می دهد که :

"همین که به ساحل دشمن رسیدیم ، یک مرتبه عراقی ها که وحشت از صدایشان مشهود بود ، همدیگر را صدا کرده ، سنگرها را به سرعت پر کردند و شروع کردند به تیراندازی و ریختن آتش ، ما درست زیر یک دو لول بودیم که مداوم می زد . با تیربار و آرپی جی ۱۱ شلیک می کردند . پنج سنگر جلوی ما بود که دائم تیراندازی می کردند . ما زیر سنگرها خوابیده بودیم ، یعنی موانع خورشیدی را پشت سر گذاشته بودیم . وقتی آتش شدید شد ، بچه ها گفتند شروع کنیم ، ولی به فکر من رسید که این نشانه عملیات نیست چرا که آتش از طرف خودی نبود ."

(مصاحبه - ۶۵/۷۶)

لازم به توضیح است که هوشیاری غواصان و خصوصاً خدمه قبضه های آتش در خط خودی ، عامل مؤثری بود در

بودیم که می خواهیم برویم غرب . وقتی با نیرو برخورد می شد ، می گفتیم لباس گرم می خواهیم ، چکمه می خواهیم یا در جلسه مثلاً می گفتیم برادر مرتضی ، زنجیر چرخ به ما نمی دهند و ..."

برادران شناسائی به دنبال کار طاقت فرسا در آب ، عمدتاً مریض و سرماخورده بودند و موقعی که عقب می رفتیم ، می دیدند سرماخورده ایم ، مطمئن می شدند که عملیات غرب است . می گفتند اینها در غرب سرما خورده اند .

(نوار شماره ۳ مصاحبه - ۶۴/۱۲/۲)

در صدر عایت حفاظت آن قدر بود که تا قبل از توجیه ، کسی نمی توانست هیچ اطلاعی از منطقه عملیاتی کسب کند . هر کس وارد جزیره آبادان می شد ، برگشت وی ممنوع بود ، به استثناء افرادی که تردد لازم کارشان بود و عموماً رفتن به خارج از جزیره ، جز با اجازه شخص برادر مرتضی میسر نمی شد .

مراسلات و نامه نگاری نیروها به شدت کنترل می شد . کلیه تردها و انتقال وسایل در شب صورت می گرفت . (ماخذ قبلی ص ۴۱)

تیراندازی دشمن قبل از عملیات

در ساعت ۲۱ ، هنوز مشکل آبراه بو صدرین حل نشده بود که حادثه دیگری آن را تحت الشعاع قرار داد . دشمن اقدام به تیراندازی و اجرای آتش کرد . به دنبال آن تعدادی منور نیز در آسمان روشن شد همه تصور می کردند تک لو رفته و عملیات آغاز شده است . برادر عمرانی طی تماسی ضمن دادن خبر فوق ، از شروع درگیری سخن می گفت . برادر کسائیان نیز اعلام کرد که در محور آنان دشمن اجرای آتش می کند . برادر مرتضی با حفظ خونسردی از سنگر خارج شد و با رفتن روی سنگر و مشاهده وضعیت مذکور ، به این نتیجه رسید که وضع عادی است . لذا از فرماندهان محورها خواست که در کنار اروند ، تیراندازی با تفنگ ژ - ۳ را ادامه دهند تا برای دشمن اطمینان حاصل شود که ما همچنان در حالت پدافندی به سر می بریم . در این برهه ، در تعدادی از معابر ، غواصان به ساحل دشمن

جلوگیری از واقعه ای که هر لحظه بیم وقوع آن می رفت . در حالی که هنوز یک ساعت به موعد مقرر باقی مانده بود، اگر از طرف خودی نیز آتش شدیدی بیش از آتش پدافندی معمول گشوده می شد، معلوم نبود چه اتفاق یا اتفاقاتی در دیگر محورهای عملیاتی رخ می داد. این امر حیاتی و مهم، مسأله ای بود که قبل از عملیات مدام از سوی فرماندهی به آن توجه می شد و نسبت به آن تأکید فراوان به عمل می آمد. در مجموع، با خودداری برادران از عکس العمل، پس از دقایقی، آتش دشمن قطع شد و بی هیچ حادثه ای منطقه شاهد آرامش قبل از توفان شد. برادر آذربینا در ادامه می گوید:

"پس از قطع آتش، سنگرها خالی شد و با شنیدن سر و صدای عراقیان و شوخی و خنده آنان احساس کردیم که دشمن مطمئن شده که خبری نیست." (ماخذ قبلی صص ۹۵-۹۴)

نمونه (۳) از: عملیات لشکر ۸ نجف در کربلا ۴ مجموعه گزارش های تفصیلی جنگ ابوالخصیب"

شناسایی

... معبر چهارم (معبر حمد):

برادر ابراهیم مظاهری مسئول شناسائی معبر حمد، نتایج شناسائی این معبر را توضیح می دهد:

"ما در هر دو حالت جزر و مد، برای شناسائی این معبر رفته ایم. فاصله ساحل خودی تا ساحل دشمن را در این محور طی ۱۵ دقیقه رفتیم. برگشت ۲۰ دقیقه طول می کشد که علت طولانی شدن برگشت، تأثیر جریان کارون روی اروند است. نیروهای دشمن در مواقع مختلف و با شنیدن هر صدائی جلوی سنگرهایشان، توی چولان ها و در آب تیراندازی کرده، نارنجک پرتاب می کنند.

هنگام شناسائی تا ۳ متری سنگر دشمن جلو رفتیم. در این قسمت نسبت به دیگر محورها موانع کم تری اطراف معبر بود، ولی امروز دیدیم که موانع زیاد شده و معبر که ۲ متر عرض داشت، بسته شده است. مانع خورشیدی بلندی در اینجا انداخته اند، طوری که ۴-۳ ردیف خورشیدی در زیر و ۲ ردیف روی آنها گذاشته اند. عمق موانع به حدود ۲۰ متر می رسد.

سمت راست معبر پوشیده از چولان است و نیروها به خوبی می توانند پشت آن مخفی شوند. در این محور دشمن سنگرهای زیادی دارد که هر یک دارای ۳ سوراخ هلالی شکل است."

... معبر ششم (معبر فجر):

"معبر فجر نزدیک به نوک شرق ام الرصاص در سمت چپ کارون قرار دارد. وقتی آب کارون به اروند می ریزد، یک حالت چرخشی ایجاد می کند، طوری که جریان آب به طرف ساحل خودی باز می گردد. به این خاطر برای رفتن به طرف این معبر، از نقطه رهایی معبر قبلی در ساحل خودی مستقیماً به طرف ساحل دشمن می رویم و از آنجا از کنار ساحل دشمن پوشیده از چولان های بلندی است که نیروی زیادی می تواند پشت آن مخفی شود. دشمن در سمت چپ معبر یک دوربین مادون قرمز کار گذاشته است. اطراف این معبر را چند ردیف سیم خاردارد و موانع خورشیدی پوشانده که عمق آن حدود ۱۲ متر است. نوک جزیره (سمت چپ معبر)، سنگرهای تیربار و دوشکای نیروهای دشمن وجود دارد. حدود ۳۵ دقیقه که در ساحل دشمن و اطراف معبر توقف داشتیم، نیرویی از دشمن ندیدیم، ولی صدای دو نفر از افراد دشمن که با هم صحبت می کردند، شنیده می شد. "با توجه به حساسیت این قسمت از ساحل ام الرصاص (روبروی کارون و وجود تسلیحات بیش تری از دشمن)، و همچنین پوشش گیاهی مناسب برای اختفای نیروی خودی، مسئول این معبر پیشنهاد می کند که برای پیدا کردن معبر دیگری در سمت چپ معبر فجر اقداماتی صورت گیرد."

معبر هفتم (معبر رحمت):

معبر رحمت در ساحل جنوبی جزیره ام الرصاص به فاصله ۱۲۰۰ متری از نوک شرقی این جزیره واقع شده، و دست یابی به آن نسبت به دیگر معابر از مشکلات بیش تری برخوردار است. مسئول شناسائی معبر رحمت برادر... نتایج شناسائی این معبر و چگونگی رسیدن به آن را بیان می کند:

برای رفتن به معبر رحمت باید حدود ۷/۵ ساعت قبل از مد راکد، از پایگاه ششم لشکر انصارالحسین (حدود ۱۸۰۰ متر پایین تر از کارون)، به طرف نوک ام الرصاص حرکت کنیم و مخالف جریان آب پا بزیم تا به نوک جزیره برسیم. از آنجا حدود ۱۲۰۰ متر از کنار موانع ساحل ام الرصاص، توی گل‌ها سینه خیز جلو برویم تا به معبر برسیم. این کار هم باید زمانی صورت گیرد که آب مد کامل نباشد، چون در غیر این صورت همه موانع (سیم خاردارها و خورشیدی‌ها) را آب می‌پوشاند و دیده نمی‌شود. در ساحل جنوبی ام الرصاص نیروهای دشمن از فعالیت کم‌تری برخوردارند و تنها با تیر جلوی خود را می‌زنند. (گزارش شناسائی معابر نوار ۱- ۶۵/۹/۲۱)

آشنائی فرماندهان با معابر

در پی شناسائی معابر توسط برادران اطلاعات، به منظور آشنائی و توجیه فرماندهان گروهان‌های غواص با این معابر شناسائی شده و برخورد با مشکلات، قرار شد هر فرمانده گروهان غواص، توسط مسئولین معابر، از نزدیک با معبر مربوط به خود آشنا شود. فرمانده لشکر نجف، نکاتی را به برادرانی که در آن شرکت دارند، متذکر می‌شود:

"زمان‌های شناسائی و تعداد دفعات آن و مقدار پیشروی برادران اطلاعات، کاملاً با برنامه و محدود بود و برای حفاظت عملیات سعی کردیم دفعات شناسائی کمتر باشد. از امشب وضعیت جور دیگری است. افراد بیش‌تری توجیه می‌شوند. تعداد شناسائی‌ها بیشتر و توسط افراد زیادتری صورت می‌گیرد. امشب باید وضعیت را کاملاً بررسی کنید. آشنائی با آب، فاصله، وضعیت معبرها و چگونگی تسلط دشمن بر آن را در آموزش غواص‌ها لحاظ کنید. فعلاً توجیه تنها در سطح شماسست. باید تمرین کنید. سکوت را رعایت کنید. باید دقت کنید خود را کاملاً کنترل کنید. دشمن به این منطقه کاملاً حساس است. اگر خدای ناکرده کسی اسیر شد، باید از خودتان مایه بگذارید. باید خودتان را یک طرف و کلیات مسائل اسلام و این همه زحمات مردم و رزمندگان را هم یک طرف ببینید.

دقت کنید. از خدا کمک بخواهید. اینجا آمده‌ایم که بدون هیچ واسطه‌ای، هیچ تشویقی و هیچ درجه‌ای برای خدا کار کنیم و از دین خدا دفاع کنیم. می‌بینید که با چه دشمنی روبرو هستیم، با مردم چه کردند، در شهرها چه کردند، چقدر توهین به نایب امام زمان می‌کنند." (نوار شماره ۲- ۶۵/۹/۲۱)

در اینجا برادران اطلاعات لشکر، مشکل روشنائی ماه و هوای مهتابی را مطرح می‌کنند. مسئول اطلاعات اظهار می‌دارد:

"به هیچ وجه امکان رفتن در زمان مهتاب نیست، چون کاملاً مشخص است و دشمن با کوچک‌ترین چیزی که در آب ببیند، تیراندازی می‌کند. مثلاً یک قوطی که برای تعیین جریان آب در ارونند می‌اندازیم، نیروهای دشمن شروع می‌کنند به تیراندازی. از طرف دیگر، امشب تا ساعت ۳ بامداد مهتاب و مد راکد در ساعت ۱۲ شب است. برای شناسائی هم باید در مد راکد بروند."

(یادداشت‌های راوی ص ۱۶ و نوار شماره ۳- ۶۵/۹/۲۱)

با مطرح شدن مشکل فوق، فرمانده لشکر نجف با بیان این که از این به بعد هر شب مهتاب است، می‌گوید:

"ساعت ۱۲ (شب) فقط برادران یک معبر بروند و عکس‌العمل دشمن را ببینند. اگر دشمن متوجه نشد، همه محورها بروند. اگر متوجه شد، زیر آب بروند. وقتی ساکت شد، برگردند. اگر تیراندازی کرد، شما هم به آنجا تیراندازی کنید و سردشمن را به آن گرم کنید."

(نوار شماره ۳- ۶۵/۹/۲۱)

بالاخره در ساعت ۲ بامداد روز ۶۵/۹/۲۲ در حالی که هوا مهتابی بود، همه مسئولین معابر اطلاعات همراه فرمانده گروهانهای غواص به طرف معابر حرکت کردند. گزارش شناسائی فوق و حوادثی که در این جریان رخ داد، در ادامه می‌آید.

(ماخذ یاد شده ص ص ۷۷-۷۴)

نمونه (۴) از: کربلای ۴ عملیات سرنوشت ساز (۲)

"مجموعه گزارش‌های تفصیلی جنگ - ابوالخصیب"

نگاهی به عوامل مؤثر در تعیین روز (ر) و ساعت (س)

طبیعت منطقه عملیاتی غدیر (کر بلائی ۴)، همچون فاو (والفجر ۸) در تعیین روز و ساعت عملیات پارامتری هائی را تحمیل کرده و زمان و شرایط خاصی را دیکته می‌کرد و محدودیت هائی را در انتخاب زمان به وجود می‌آورد. عواملی همچون شرایط جوی، جریانات آب در ارونند، عدم روشنائی مهتاب و... در این زمینه قابل ذکر است.

در والفجر ۸ توجه به تاکتیک عبور و این که نیروهای غواص تنها عرض رودخانه را می‌پیمودند، با آن دسته از مشکلات برخورد کردند که در محدوده نیازمندی های خاص آن عملیات قرار داشت. برادران بایک سری جریانات و شرایط طبیعی رودخانه و محیط اطراف آن آشنا شدند. زمان های دلخواه به دست آمد و بر این مبنای عبور به طور موفق انجام گرفت. در آن شرایط، برادران با تلاش های پی گیر، و با آن که تجربه نداشتند، موفق شدند حالات حرکت (جزر و مد) و سکون رودخانه را بررسی کرده، با انجام محاسبات و کسب تجارب لازم، زمان های مورد نیاز را به دست آورده، اوضاع مراحل مختلف را پیش بینی کنند.

در عملیات فاو برای عبور نیروی غواص از عرض رودخانه، حالت سکون رودخانه انتخاب شده بود. این حالت پس از هر مد یا جزر در ساعات معینی وجود داشت و بادر نظر گرفتن طلوع و غروب مهتاب و عوامل دیگر، روز و ساعت مناسبی برای شروع عمل مشخص گردید. اما در منطقه غدیر با توجه به تاکتیک جدید عبور (حرکت در طول رودخانه)، نیازمندی ها در بررسی و درک شرایط مختلف رودخانه تفاوت داشت.

بنابر تجربیات سپاه، به دلایلی از جمله وجود جزایر متعدد و موانع اهداف واسطه ای در منطقه عملیاتی غدیر، برای شکستن خطوط دفاعی دشمن در سواحل جنوبی اروند (رودخانه در منطقه عملیاتی غدیر تقریباً شرقی غربی است)، تنها پیمودن عرض رودخانه کافی نبود، غواصان... می‌بایست طول رودخانه را در فواصل نسبتاً طولانی (حدود ۲ تا ۶ کیلومتر

طی کنند و پس از پیمودن این فاصله در طول به ساحل مقابل بروند (بعضی محورها تنها عبور عرضی داشتند، اما مبنای تعیین ساعت (س) همین حرکت طولی بود)، لازمه این حرکت وجود شرایط خاصی در رودخانه بود و علاوه بر آنچه در والفجر ۸ کسب شده بود، کسب تجربیات تازه ای لازم بود تا مسائل پیچیده تری حل گردد.

برادر محسن در این زمینه چنین می‌گوید:

"پارسال ما موضوعی داشتیم که در آن زمان چیز جدیدی به شمار می‌رفت و آن رکود آب بود. همه دنبال این بودند که زمان رکود آب را به دست آورند. اما الان: ما سکون آب را نمی‌خواهیم، شروع جزر و مد را هم نمی‌خواهیم، بلکه بحث جدیدی پیدا شده به اسم جریان مد یا جریان جزر، یعنی وقتی جزر یا به عکس مد شروع شود، تا ساعاتی آب تنها بالا می‌آید، اما حرکتی ندارد، ولی در یک زمان مشخصی آب به راه می‌افتد و ماراه افتادن آب را می‌خواهیم."

(۶۵/۱۰/۱)

برادر... در جلسه با آقای هاشمی می‌گوید:

"در ارونند رود طی هر ۲۴ ساعت، ۲ بار مد و ۲ بار جزر روی می‌دهد که هر کدام ۶ ساعت طول می‌کشد. این شرایط عمدتاً در اوایل رودخانه وجود دارد و با دور شدن از دریا، شرایط فوق دستخوش تغییراتی می‌شود. در منطقه مورد نظر (حداقل رود کارون تا نهر عریض) به دلیل ارتفاع بیشتر زمین منطقه نسبت به دریا (۷۵ متر) جریان مد ضعیف تر بوده، برعکس جزر از شدت بیشتری برخوردار است."

در منطقه فاو، آب ۶ ساعت به سمت بصره می‌رود و برابر آن (۶ ساعت) به سمت دریا، اما در منطقه فوق، در ۶ ساعتی که مد وجود دارد، ۳ ساعت از این زمان با این که آب رودخانه بالا می‌آید، هنوز جریان آب به سمت دریاست و تنها نیمه دوم مد است که جریان آب رودخانه به طرف بصره می‌رود.

لذا در یک جزر و مد، جهت حرکت آب سه ساعت به

سمت بصره است (جریان مد) و ۹ ساعت به سمت دریا"

(۶۵/۹/۱۴) مجلس شورای اسلامی

لازم به تذکر است که اعداد و ارقام ذکر شده تقریبی است و در شرایط مختلف دستخوش تغییر می گردد، برای همین در گزارش های مختلف که در زمان های متفاوت ارائه می شد، گاه اعداد و ارقام با هم اختلاف داشت و این امر در عمل نابسامانی هائی به وجود آورد.

همان طور که از صحبت های فوق نیز مشخص است، برای طی مسیر در طول رودخانه، به جریان آب نیاز بود تا غواصان بر آن سوار شده، بتوانند با سرعت به اهداف خود برسند، و چون غواصان بایستی به طرف غرب حرکت کنند، جریان مورد نظر همان جریان مد بود که طی آن آب به سمت بصره می رفت.

نکته دیگری که برادران را در انتخاب زمان محدودتر می کرد، وضع مهتاب

بود. با توجه به عرض نسبتاً کم رودخانه، خصوصاً در تنگه (منطقه ای از اروند که منتهی الیه شرقی جزیره ماهی و نوک غربی جزیره ام الرصاص در طرفین آن قرار دارد، نوعی معبر آبی ایجاد کرده است که اصطلاحاً "تنگه" خوانده می شود) بودن مهتاب این امکان را برای دشمن به وجود می آورد که نیروهای غواص را ببیند. لذا همزمان با جریان یافتن آب به طرف بصره، به تاریکی مطلق نیاز بود. لزوم جمع بین دو عامل فوق، زمان مشخص و محدودی را در هر ماه به وجود می آورد.

از جمله عوامل دیگر در تعیین روز و ساعت، تدبیر "حداکثر استفاده از شب" بود. به این جهت در محاسبات تلاش می شد که جمع ۲ عامل یاد شده (تاریکی مطلق و آغاز جریان مد) در اوائل تاریکی هوا (شب) باشد تا در فرصت کافی با حداکثر استفاده از طول شب، پیشروی لازم و دستیابی به حداقل اهداف ابتدائی عملیات مقدور گردد. (ماخذ یاد شده صص ۵۱-۴۹) "طبق زمان بندی قبلی، اولین یگان عبور کننده از تنگه موفق شد حد فاصل ساعت ۲۰/۲۶ تا ۲۰/۴۱ پنج گروهان غواص (دو گروهان با هدف ام الرصاص و سه گروهان با هدف بلجانیه) را با وجود آتش منحنی و مستقیم دشمن روی ساحل خودی، به

آب اندازد. نیروها در ستونی به طول ۸۰۰ متر آرایش داده شدند. این ستون به دنبال گروهی که به عنوان پیشتاز برای چک مسیر با اندکی فاصله جلوتر می رفت، به حرکت درآمد.

طبق طرح، از هر گروهان غواص که با فاصله مشخصی از گروهان دیگر حرکت می کرد، فقط ۶ نفر در سطح آب بودند و باقی زیر آب حرکت می کردند.

در فاصله رهائی غواصان از خط خودی تا رسیدن به داخل آب و آغاز حرکت به طرف اهداف، آتش پر حجمی روی ساحل ریخته می شد ولی این امر به توقف و اختلال جدی در حرکت نیروها منجر نشد و غواصان سینه خیز وارد آب شدند. در طول مسیر وقتی غواصان به نزدیکی تنگه رسیدند و در تیررس نیروهای عراقی مستقر در نوک جزایر بوارین، ماهی و ام الرصاص قرار گرفتند، به طرفشان تیراندازی شد و بعضی هدف واقع شدند. جریان آب به نحو غیر منتظره ای شدید بود و این باعث شد قبل از این که تیراندازی و آتش های مستقیم دشمن شدت یابد، غواصان از تنگه عبور کنند، طوری که در ساعت ۲۷/۴۶ دقیقه فرمانده گروه پیشتاز اعلام کرد که به ساحل بلجانیه رسیده اند. در پی پیشتازان، گروهان های دیگر و در مجموع (با دادن ۷ الی ۸ شهید) کلیه غواصان مأمور به بلجانیه خود را به ساحل رساندند. آرایش و نظم و همچنین شجاعت و تجربه کافی غواصان از عوامل مهم این موفقیت به حساب می آید.

با پی گیری برادر محسن و تلاش وی مبنی بر رعایت ساعت (س)، فرماندهی لشکر نیز بر این امر تأکید می کرد، اما ساعت ۲۷/۴۶ با رسیدن نیروی پیشتاز به ساحل بلجانیه شرایط طوری نبود که نیروها بتوانند صبر کنند. در واقع درگیری از این ساعت آغاز شد و به دنبال گروه پیشتاز هر گروهان غواص که به ساحل می رسید، به ناچار درگیری را شروع می کرد.

(ماخذ قبلی - صص ۹۱-۹۰)

نمونه (۵) از: عملیات قرارگاه قدس در کربلای ۵
"مجموعه گزارش راویان. منطقه عمومی شرق بصره"
قائم مقام لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که در نزدیکی خط مقدم

حضور دارد، خبر از نزدیکی نیروها به چهارراه داده و می گوید که نیروهای پیاده به همراهی تانک ها برای پیشروی تلاش می کنند. برادر خرازی از وی می خواهد که بچه ها را برای ادامه جنگ در روز آماده کند. فرمانده لشکر امام حسین (ع) در تماس با فرمانده قرارگاه قدس، یادآور می شود که به تانک بیش تری نیاز دارد. از طرف دیگر فرمانده لشکر نجف تأکید بیش تری برای همراهی نیروهای پیاده و تلاش برای ساقط کردن قرارگاه دشمن به مسئول تانک ها می کند.

همزمان با روشنایی تدریجی هوا، آتش دشمن هم شدت می گیرد و نیروهای دشمن با استفاده از مواضع خود، مقاومت بیشتری می کنند و مقابله تشدید می شود، به طوری که با وجود تلاش بسیار و از خودگذشتگی نیروها، گردان امیرالمومنین از پیشروی به طرف خط سوم دشمن باز مانده، و گردان مالک اشتر موفق به ساقط کردن قرارگاه بزرگ دشمن نمی شود. تأکیدهای مکرر فرمانده لشکر امام حسین (ع) به نیروهایش برای پیشروی و رسیدن به اهداف تعیین شده نیز نتوانست بیش از این موثر باشد. همچنین درخواست های پی در پی وی از فرمانده قرارگاه قدس و فرمانده لشکر نجف و تیپ قمر بنی هاشم برای کمک به نیروهای این لشکر، به جز یک گردان نیرو و چند تانک از لشکر نجف که برای کمک به سقوط قرارگاه دشمن حرکت کردند، نتیجه دیگری نبخشید، چون نیرو و امکانات در دسترس نبود. از طرف دیگر با آن که گفته شد نیروهای لشکر ولیعصر (عج) یکی دو موضع هلالی دشمن را در بالای خط سوم گرفته اند، اما نیروهای تیپ قمر بنی هاشم مستقر در مواضع هلالی خط دوم، از حد فاصل خط دوم و سوم در گوشه کانال ماهی، مورد تهدید نیروهای دشمن قرار گرفته اند.

آخرین وضعیت نیروهای خودی در حدود ۶/۳۰ صبح ۶۵/۱۰/۲۱ در جبهه جنوبی (قرارگاههای قدس و نجف)

۱- نیروهای تیپ قمر بنی هاشم در ۵ موضع هلالی اول خط دوم (نهر دعیجی) مستقرند و از گوشه کانال ماهی توسط نیروهای دشمن تحت فشارند.

همزمان با فعالیت زمینی، هواپیماهای دشمن بی وقفه عقبه های خودی مخصوصاً پل و اطراف آن را بمباران می کنند. اوایل صبح، هواپیماهای دشمن، پل بعثت (پل لوله ای اروند)، یعنی تنها پل ثابت و اصلی ترین راه تدارک منطقه فاو را مورد هدف راکت های خود قرار داده، با تخریب ۳ ۲ نقطه آن راه ورود و خروج هر خودرویی را قطع می کنند. بلافاصله به مهندسی دستور ترمیم پل داده می شود، ولی شدت بمباران، آتش و شیمیائی دشمن مخصوصاً در اطراف پل امکان هر اقدامی را سلب کرده است. علاوه بر تأکید روی ترمیم پل بعثت، برادر رحیم دستور می دهد پل یونیفولت را که کنار اروند حاضر است، متصل کنند تا قابل تردد شود و نیز تعدادی قایق آماده کنند، گفته می شود لجستیک، ۳۰ فروند قایق به منطقه آورده که سکاندار ندارد.

۲- یک گردان از نیروهای لشکر امام حسین (ع) تا تقاطع جاده شلمچه و خط سوم دشمن پیشروی کرده و با آتش شدید دشمن روبرو است و هنوز به مواضع دشمن در خط سوم دسترسی نیافته است. گردان دیگر این لشکر بعد از پاکسازی سمت چپ جاده شلمچه، به طرف قرارگاه بزرگ دشمن نرسیده به خط سوم، رفته که به مواضع و مقاومت این قرارگاه برخورد کرده و از پیشروی باز مانده و تقاضای آتش توپخانه کرده است. دو گردان فوق را چند تانک پشتیبانی می کند.

۳- یک گردان از نیروهای لشکر نجف همراه با چند تانک برای ساقط کردن قرارگاه دشمن حرکت کرده و اقداماتی به عمل آورده، ولی موفقیت چندانی به دست نیآورده است.

۴- نیروهای لشکر علی بن ابیطالب (ع) (ق-نجف) از سمت چپ نهر دعیجی به طرف اروند پیشروی کرده ولی از طرف مواضع هلالی دشمن در سمت راست دعیجی (هلالی

۶ و ۷...) تهدید می شود .

۵ - نیروهای لشکر نصر (ق - نجف) هم کنار دژ دشمن (اولین خط دشمن) به طرف اروند پیشروی کرده است. ۶ - نیروهای لشکر ولیعصر از بالا (از حدود نوک کانال ماهی) به طرف خط سوم دشمن رفته و تائیکی دو موضع هلالی اول جلو رفته اند .

با توجه به اهمیت خط سوم دشمن که سقوط قسمت شمالی آن موجب اتصال جبهه غربی و جبهه جنوبی و کاهش فشار دشمن بر جبهه غرب می شود . احتمال عقب زدن نیروهای خودی زیاد است . از سوی دیگر دسترسی به این خط ، سرعت پیشروی نیروهای خودی را چند برابر می کند ، چون دشمن تا بعد از کانال دوردیفه به جز مقرهای پراکنده و قرارگاههای فرماندهی و مواضع توپخانه خطی ندارد و پیروزی بزرگی را به دنبال خواهد داشت . از این نظر فرماندهی کل سپاه تاکید زیادی بر این کار داشته و در تماس با فرمانده قرارگاه قدس از وی می خواهد اقدامات لازم را برای این منظور به عمل آورد . در همین راستا لشکر ولیعصر (عج) هم در این زمان (حدود ۷ صبح) به قرارگاه قدس مامور می شود . (نوار ۱۴ هدایت عملیات ق - قدس)

(ماخذ یاد شده صص ۱۴۱ ، ۱۴۰)

برادر کاظمی : (ظاهر آبه شوخی یا فریب دشمن یا ...)
"انشاء الله باید آن ۵۰۰۶۰۰ گردان احتیاطی را هم که ابلاغ نشده و در خط تشکیل شده ، این چند روزه وارد عمل کنیم ، انشاء الله ..."
برادر محسن رضائی :

"انشاء الله خدا می رساند ، ما هم هر چه توی دستمان باشد ، به شما می دهیم ، دست شما را هم می بوسیم ."

برادر کاظمی :

"خدا انشاء الله حفظتان کند ، التماس دعا داریم ، امری ندارید؟"

برادر محسن رضائی : "خدا حافظ ، یا علی ، صدای غرشت را بشنوم ."

(نوار ۱۷ هدایت عملیات لشکر نجف)

به دنبال تماس فوق ، برادر محسن رضائی با فرمانده لشکر امام حسین (ع) نیز تماس می گیرد . (ساعت ۲۲/۴۰)
برادر محسن رضائی : "مگر قهر هستی که صحبت نمی کنی؟"

برادر خرازی : "ما شرمنده هستیم ، رویمان سیاه است ."

برادر محسن رضائی :

"ما دست شما را می بوسیم ، ما افتخار می کنیم به وجود برادرانی مثل شما که ماشاء الله بدون خستگی شبانه روزی دارید می جنگید ، خدا را شکر ، انشاء الله ادامه بدهید و به نتیجه ای که مورد رضای خدا است برسید ."
برادر خرازی :

"انشاء الله ، ما صدای شما را که می شنویم ، جداً روحیه می گیریم و خیلی هم طالب شنیدن صدای شما هستیم . چشم ، ما انشاء الله می رویم دنبال کارمان ."

برادر محسن رضائی :

"به دست شما اسلام انشاء الله احیاء خواهد شد ."

برادر خرازی :

"خدا انشاء الله ، این توفیق را به ما بدهد ، شما هم دعا بفرمائید ."

برادر محسن رضائی :

"انشاء الله ، امام امروز سلام رسانده اند و گفته اند به فرماندهان و رزمندگان سلام ما را برسانید ، شما به همه رزمندگان این را بگویید ."

برادر خرازی :

"خدا انشاء الله امام را حفظ کند ، امام را سلامت بدارد ."

(نوار ۲۷ هدایت عملیات ل امام حسین (ع))

اجرای آتش خودی روی قرارگاه بزرگ دشمن و خط سوم او به شدت ادامه دارد . فرمانده قرارگاه قدس برای جلوگیری از اصابت آتشیهای خودی به نیروهای خودی ، در ساعت ۲۲/۳۰ (تاریخ ۶۵/۱۰/۲۱) ، به مسئولین توپخانه و

ادوات این قرارگاه دستور افزایش برد آتش می دهد و به حضار می گوید :

"آدم جرات نمی کند به این ادواتی ها چیزی بگوید ، چون وقتی شروع می کنند ، همین طوری می زنند و بچه ها هم که پیش می روند ، اینها آتش را بلند نمی کنند . می زنند توی سر بچه ها ."

برادر رحیم صفوی می گوید :

"اینها مردمند ، یک مشت کفاش و بنا و ... اینها مردمند که با ارتش عراق می جنگند ... نباید انتظار زیادی داشته باشیم ، باید خیلی هم شکر گزار باشیم ، مردم را آورده ایم گذاشته ایم پشت کاتیوشا ، پشت توپ ۱۳۰ ، پشت خمپاره ..."

برادر عزیز جعفری هم اضافه می کند :

"خیلی هم خوب می جنگند ... که نظامی اند به این خوبی نمی توانند کار کنند ."

برادر رحیم صفوی می گوید :

"عرض من این بود که اینها را تربیت کنیم ، خودمان هم انشاءالله در جنگ تربیت می شویم و عرض دوم این که باید شکر خدا را به جا بیاوریم و ..."

(نوار شماره ۲۰ هدایت عملیات قرارگاه قدس)

ساعت ۲۲/۳۲ : نیروهای تیپ قمر بنی هاشم از کنار جاده شنی به طرف خط سوم دشمن حرکت می کنند و نیروهای لشکر نجف هم پشت سر آنها پیش می روند . از طرف دیگر ، فرمانده لشکر امام حسین (ع) ، منتظر شروع درگیری نیروهای لشکر نجف است تا دستور حرکت را به نیروهایش ابلاغ کند .

در ساعت ۲۲/۴۵ : نیروهای تیپ قمر بنی هاشم قبل از رسیدن به خط سوم دشمن با مقرهای بین راه درگیر می شوند . نیروهای لشکر نجف برای شروع درگیری منتظرند نیروهای تیپ قمر در اولین موضع هلالی دشمن (موضع روبروی جاده شن) وارد شوند و لشکر امام حسین هم منتظر درگیری نیروهای لشکر نجف است . فرمانده تیپ قمر بنی هاشم به نیروهایش تاکید می کند سریع پیشروی کنند و به فرمانده

لشکر نجف می گوید ، اگر نیروهای شما بخواهند منتظر حل شدن موضع هلالی سر جاده شوند ، صبح می شود .

ساعت ۲۲/۵۰ ، شنود گزارش می دهد :

"نیروهای دشمن می گویند حدود یک گردان از نیروهای ایرانی از طرف جاده شلمچه و پل به این طرف می آیند . آنها گفته اند تعدادی تانک غیر از تانک های ما اینجاست . مال کیست؟ فرماندهی دشمن به تانک هایش دستور داده به طرف نخلستان ها تیراندازی کنند ، چون ممکن است ایرانی ها از نخلستان حمله کنند . همچنین به آنها گفته شده که پس از عبور از پل (تقاطع جاده شلمچه و نهر جاسم) در نخلستان متفرق شوند." (نوار ۲۰ هدایت عملیات ق قدس)

گزارش شنود توسط قرارگاه قدس به لشکر امام حسین (ع) رسیده ، از آنها خواسته شد با تانک های خود با تانک های دشمن مقابله کنند . همچنین به فرمانده تیپ زرهی ۲۱ رمضان که چهار دستگاه تانک روی جاده شلمچه دارد ، دستور داده شد با لشکر امام حسین (ع) هماهنگی کنند و علیه دشمن وارد عمل شوند . برادر رحیم برای فرمانده تیپ زرهی رمضان ، عملکرد نیروهای زرهی خودی را چنین توصیف می کند :

"فعالیت ها و تلاش های شما ، زرهی را تثبیت کرد . در عملیات والفجر ۸ ، توپخانه ها و در این عملیات ماشاءالله زرهی قدرت نمایی کرد ." (نوار ۲۰ هدایت عملیات قرارگاه قدس)

در ساعت ۲۳ خبر رسید نیروهای تیپ قمر بنی هاشم (ع) وارد یکی از مواضع هلالی خط سوم دشمن شده اند (ماخذ قبلی ص ص ۱۷۱-۱۶۹)

معاون عملیات قرارگاه قدس در ساعت ۱۰ صبح (۶۵/۱۰/۲۳) ، از خط بازدید کرده ، پس از بازگشت به فرمانده این قرارگاه گزارش می دهد :

لشکر نجف تا اینجا (در کالک دو صفحه قبل مشخص شده) خاکریز زده است ، نیروهای پیاده اش هم در حال پیشروی بودند . وضع دشمن خیلی متزلزل است ، یعنی اگر دو

گردان نیرو باشد، می توان جاده آسفالت (جاده ساحلی اروند) را بست. علاوه بر آن می توان پشت نیروهای دشمن را که در مواضع هلالی (پایین نهر دعیجی) حضور دارند، بست. اسیری را که آورده بودند، می گفت اینجا (حد فاصل نهر دعیجی و نهر جاسم) هزار هزار نیرو است دشمن دارد. قرارگاهش را (در نزدیک جاده ساحلی) تخلیه می کند، این منطقه پوشیده از نخل است و دشمن کانال های انشعابی در زمین احداث کرده است. اگر نیرو باشد، قبل از این که دشمن بتواند خودش را پیدا کند، می تواند تا جاده ساحلی پیشروی کند.

در پی این گزارش، فرمانده قرارگاه قدس به فرمانده لشکر ولیعصر که در قرارگاه حضور دارد، تاکید می کند هر چه زودتر گردان خود را وارد عمل کرده، با استفاده از گیجی دشمن و پیچیدگی زمین، جلو برود و با تأمین جاده ساحلی، پشت نیروهای دشمن را بسته، به آنها فرصت تحرک و بازیابی خود راندهد.

(نوار ۲۶ هدایت عملیات ق قدس ۶۵/۱۰/۲۳)

از طرف دیگر در صحنه کارزار، فرمانده لشکر نجف ضمن تشویق نیروهای پیاده به پیشروی سریع تر، توصیه می کند پشت سر خود تأمین بگذارند، علاوه بر این به مسئولین نفربرهای زرهی تاکید می کند با سرعت بیشتر و پا به پای نیروهای پیاده جلو بروند. برادر کاظمی همچنین به مسئولین ادوات و سلاح های ضد زره دستور می دهد تا حد امکان خمپاره، تفنگ ۱۰۶، موشک تاو و مالیوتکا پشت خاکریز مستقر نمایند.

(مشاهدات و مسموعات راوی لشکر نجف ص ۷۷ و ۷۸)

ساعت ۱۰/۳۰: در حالی که نیروهای پیاده به کندی پیش می روند، بلندگوی دشمن از ۲۰۰ متری سمت راست نهر همچنان به زبان فارسی اعلام می کند: "زودتر خاک عراق را ترک کنید وگرنه همه جا را خاکستر می کنیم."

(مشاهدات و مسموعات راوی لشکر نجف ص ۷۷ و ۷۸)

(دفترخه)

در همین حال خودروها و تانک های دشمن به طرف مقر فوق در تردد بوده و طولی نمی کشد که تیراندازی نیروهای دشمن از داخل این مقر به طرف نیروهای لشکر نجف شروع می شود. به نیروهای خودی گفته می شود پشت خاکریز پدافند نمایند. در همین زمان دو قبضه خمپاره ۶۰ که در کانال نزدیک نهر مستقر شده بودند، اجرای آتش کردند. فرمانده لشکر نجف دستور می دهد که دو دستگاه تانک لشکر و نیز ۴-۳ تانک تیپ زرهی رمضان، پشت خاکریز، به طرف دشمن آرایش بگیرند.

(مشاهدات و مسموعات راوی لشکر نجف ص ۷۷ و ۷۸)

(دفترخه)

ساعت ۱۱: با استقرار تانک ها و نفربرها پشت خاکریز و اجرای آتش خودی روی مقر دشمن، تردد نیروهای دشمن افزایش می یابد. نیروهای پیاده دشمن در نخلستان در ترددند و هر چند به دلیل وجود نخل ها، دقیقاً هدف دشمن مشخص نیست چیست، ولی به احتمال زیاد مشغول تخلیه امکانات مقر خود هستند. (نوار شماره ۲۱ هدایت عملیات لشکر نجف) برادر محسن رضائی با قرارگاه تماس گرفته، به برادر عزیز جعفری می گوید:

"انشاء الله دست احمد را بگیرید و با سرعت بیشتر و آمادگی بیشتر (جلو بروید) و کسارهای مهندسی (را انجام دهید) همه را بسیج کنید خدا انشاء الله به شما قوت بدهد."

(نوار ۲۶ هدایت عملیات قدس)

در پی تاکید فرمانده عملیات، فرمانده قرارگاه قدس عازم خط مقدم می شود تا از نزدیک در جریان وضعیت قرار گیرد و یگانهای پیاده و امکانات را برای ادامه عملیات هماهنگ نماید. وی حدود ساعت ۱۷:۲۰، نزد فرماندهان لشکرهای نجف، امام حسین (ع)، ولی عصر (عج) و تیپ قمرینی هاشم که در خط مقدم حضور دارند، می رسد. توضیحات فرمانده لشکر نجف مشخص می کند که محور نهر هسجان که در حال حاضر نیروهای لشکر نجف پدافند می کنند و فرماندهان فوق هم در

نزدیکی آنها در خط حضور پیدا کرده اند، ۳ جناحش را دشمن پوشانده و فقط از سمت شمال به عقبه خودی اتصال دارد. (ماخذ قبل ص ص ۲۱۴- ۲۱۲)

"جراحت شدید فرمانده قرارگاه - قدس و پایان کار وی در عملیات کربلای ۵" "روز ششم (۶۷/۱۰/۲۴)" فرمانده قرارگاه قدس در آغاز روز ششم عملیات به منظور بررسی اقدامات انجام شده و طرح ریزی ادامه عملیات، عازم خط مقدم شد. وی در ساعت ۸/۳۰ صبح به پل تقاطع جاده شلمچه و نهر دعیجی رسید و به فرمانده لشکر نجف که در این محل بود، گفت:

"بلند شو برویم جلو، آنجا امنیتش بیشتر است."

فرماندهان به طرف جلو حرکت کردند و حدود ساعت ۹/۳۰ جلسه ای با حضور فرمانده قرارگاه قدس و فرماندهان یگان های این قرارگاه در کنار خاکریز نهر هسجان در نخلستان، تشکیل گردید. هنوز مدت زیادی از آغاز جلسه نگذشته بود که خمپاره ای در نزدیکی این برادران به زمین خورد. یکی از برادران فرمانده گفت، از اینجا بلند شوید که خمپاره بعدی وسط جلسه خواهد خورد. برادران در حال برخاستن بودند که خمپاره بعدی به میان آنها فرود آمد و فرمانده قرارگاه قدس و جانشین فرمانده لشکر امام حسین (ع) را به سختی مجروح و راوی قرارگاه قدس را به شهادت رساند. به دنبال جراحت شدید فرمانده قرارگاه قدس و از میدان خارج شدن وی، به دستور فرمانده کل سپاه برادر رحیم صفوی

آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان عالی ترین مقام اداره عملیات و هماهنگ کننده ارتش و سپاه، هنگامی که آخرین اقدامات برای انجام این عملیات انجام می گرفت، در جلسات توجیهی گوشه ای از اوضاع سیاسی جنگ را چنین مطرح می کند:
"هر روز که از این جنگ می گذرد، مسائل از کانال سیاسی، نظامی برای ما مشکل تر می شود و دشمن خود را آماده تر می کند. قدرتهای سیاسی دنیا دست اندر کارند تا ما را از پیروزی مطلق بازدارند و کشورهایی مانند ترکیه و پاکستان مایل نیستند ما به پیروزی برسیم. سوریه و لیبی که با ما خیلی صمیمی هستند، می خواهند ما به گونه ای پیروز شویم که دستمان در عراق باز نباشد."

(جانشین فرماندهی نیروی زمینی) هدایت عملیات قرارگاه قدس را به عهده گرفت. (ماخذ قبلی ص ص ۲۳۹)
نمونه (۶) از :
بیت المقدس ۲ "نگرشی جدید به جنگ و اصلی شدن جبهه شمال"

زمین و اوضاع جوی ، عوامل اصلی کاهش توان نیروها از جمله عوامل موثر در کاهش توان نیروهای خودی در عملیات بیت المقدس ۲ ، می توان به دو پارامتر جو و زمین اشاره نمود . یگان ها برای رسیدن به مواضع دشمن می بایست مسیرهای طولانی را طی کنند و بعضی (مانند

لشکرهای ۱۰ و ۳۱ و ...) یک شب زودتر نیروهای خود را زیر هدف مورد نظر جای دهند. نیروها عمدتاً می بایست مسیرهای پر برف را ۶ الی ۸ ساعت بپیمایند ، در پاره ای نقاط تراکم برف طوری بود که افراد تا کمر در آن فرو می رفتند و همین موجب کندی بسیار و خستگی مفرط نیروها می گردید. رزمندگان پس از طی مسیرهای طولانی که از غروب آفتاب تا ساعت یک و دو بعد از نیمه شب طول می کشید ، تازه باید به دشمن تک نموده ، در بدترین شرایط درگیر شوند .

بر مشکلات فوق ، وضعیت خاص منطقه را نیز که شامل ارتفاعات بلند بود ، باید اضافه کرد تا آنجا که کوه پیمایی در برف های انبوه و سرمای ناشی از آن حتی قدرت چکاندن ماشه را از نیروهای بسیجی سلب می کرد .

برادر کوثری ، فرمانده لشکر حضرت رسول (ص) در توصیف اوضاع نیروها و سختی های زاید الوصف موجود در

عملیات می گوید :

مسئول ستاد تیپ ۱۲، به قرارگاه مراجعه کرد و از مشکلات فراوان نیروها روی ارتفاع گزارش داد و گفت انتقال یک مجروح که از ظهر امروز به طرف پایین ارتفاع شروع شده بود، تا لحظاتی پیش ادامه داشته و مجروح در راه به شهادت رسیده است. برای باربری روی ارتفاع هم دو قاطر را به قسمت خشک یال گوجار منتقل کرده که یکی یخ زده و دیگری در برف فرو رفته است. یکی از دو ستگاه ماشین مخصوص مناطق برفی هم که از دشمن به غنیمت گرفته شده، با پاره شدن زنجیر از کار افتاده است. وی ابراز داشت "... شب اول عده زیادی به خاطر نشستن روی برف اسهال خونی گرفتند. من باور نمی کردم تا این که خودم هم دچار شدم." (دفترچه شماره ۲ راوی قرارگاه نجف ص ۶۷)

با این همه توجه، فرماندهی به موضوع عملیات امشب است، چون با نبودن نیروی کمکی، جاده و عدم اقدام کافی و مناسب هوانیروز، امکان هیچ تلاشی برای بهبودی اوضاع مذکور وجود نخواهد داشت.

به هر حال عملیات در ساعت ۰۷:۰۰ (۱۲/۲۸) طبق قرار قبلی آغاز شد. لشکر عاشورا سریعاً اهداف خود (صخره ای) را تصرف نمود. گردان نصرالله از لشکر نصر نیز در ساعت ۷:۲۵ موفق به تصرف گرده هلکان گردید. تنها نقطه ای که با اشکال روبرو شد، راه کار زیر گرده هلکان بود که شب اول نیز مورد استفاده لشکر قرار گرفت. برای حل این مشکل نیروهای لشکر پس از سرازیر شدن از گرده هلکان از سمت راست به کمک این فلش پرداختند و در ساعت ۳/۳۰ الحاق در این نقطه حاصل گردید.

در پشتیبانی از این تک از ساعت ۷:۳۵ توپخانه مداوم شیار الاغلو - گوجار و شیار بین دو یال گوجار را گلوله باران و امکان ارتباط دشمن با عقبه اش را به حداقل رساند.

گزارش شنود حکایت از عقب نشینی دشمن از نقاط قبلی داشت. برای ایجاد تشتت بیشتر در فرماندهی دشمن یک تک الکترونیک در ساعت ۲/۱۵ آغاز شد و تا ساعت ۳/۴۵ ادامه یافت. در این تک مسأله عبور و نفوذ نیروها از خطوط دشمن در

"در خط سنگر نداریم زمین خیلی گل و شل است، امکان کار نمی دهد، پر کردن گونی هم به خاطر وضع زمین نمی شود. نیروهای اینجا دیگر توان ندارند، آنها در اینجا مثل کانال ماهی ایستاده اند. برادر محسن، خدا شاهد است خودمان خجالت می کشیم وقتی می رویم تو خط شرممان می آید. بچه های یک وضعی دارند، ۵۰ درصدشان مریض هستند. خیس. پاهایشان ورم کرده، می آیند در محور، داخل سنگری که مال عراقی ها بوده، مثل جنازه می افتند و آه و ناله سر می دهند. نمی دانستند من اینجا هستم... امروز من بچه ها را دیدم، سر تا پا خیس. سنگرهای حفره روباهی کنده اند، می روند داخل."

(نوار ۱۳۶ قرارگاه خاتم ۶۶/۱۷۹)

برادر حیدرپور فرمانده تیپ ۴۸ فتح در گزارش به آقای هاشمی، شرایط رزمندگان را در منطقه عملیاتی، چنین توصیف می کند:

(گردانی که آوردم پای کار) چادر نمی شد زد، چون نزدیک خط بود. (نیروها) پتو روی خود کشیدند حدود ۱۵ الی ۲۰ سانت برف روی آنها نشست بود. ۳ نفر بیهوش شدند یک نفر هم بر اثر سرمای شدید شهید شد. (نوار ۱۱۱ قرارگاه خاتم ۶۶/۱۷۲)

(ماخذ یاد شده صص ۱۴۹-۱۴۸)

نمونه (۷) از: بیت المقدس ۳ "مراحل تصمیم گیری و انجام عملیات"

"روز ۶۶/۱۲/۲۷، بمباران های دشمن در عقبه و اطراف پل ها شدت گرفت. پل بیت المقدس (پل دوم گرده رش)، هدف یک موشک لیزری هوا به زمین قرار گرفت و دو نیم شد، اما هشتاد نفر نیروی مهندسی که اطراف این پل مشغول بودند، آسیبی ندیدند. همزمان با این بمباران، یک موشک هوا به زمین دیگر به طرف پل امام علی (ع) (پل ژائیله، پل اصلی عقبه عملیات) شلیک شد که تعدادی مجروح به جای گذاشت، لیکن آسیبی به پل نرسید.

ساعت ۲۲ که قرارگاه آماده عملیات روی یال ۱ می شد،

حد فاصل الاغلو - دولبشک مطرح گردید که متعاقباً منطقه مذکور زیر بارانی از منوره‌های دشمن قرار گرفت و قرارگاه دشمن مرتباً از یگانهای موجود در این نقاط کسب وضعیت می نمود . در هم پاشیدگی دشمن و عقب نشینی او از قسمت های عمده ای روی یال یک (بخصوص گرده هلکان)، این امکان را به نیروهای در خط تیپ ۱۲ قائم داد تا با اجرای یک آتش شدید، پیشرفت کمی روی یال ۱۲ انجام دهد و یال مذکور را تا حد تأمین یال یک از سمت غرب (بر سر شکستگی و ضدشیب اصلی) جلو بیایند. به این ترتیب بهترین کمک برای طرح پیشنهادی قرارگاه رمضان انجام گرفت و آنها را نسب به عدم حضور نیروی دشمن در ارتفاعات سرکوب به گاراده مطمئن ساخت. (ماخذ یاد شده صص ۱۱۵-۱۱۴)

نمونه (۸) : از : سقوط فاو "مجموعه متون تحقیقاتی

جنگ "

حدود ساعت ۴/۵ - ۴ سه لشکر نجف ، کربلا و امام حسین (ع) با کسب آمادگی نسبی ، تقریباً همزمان هجوم به دشمن را شروع می کنند. نیروهای لشکر نجف طی ۳ ساعت نبرد و جنگ تن به تن هر چند نتوانستند به اهداف تعیین شده برسند، ولی تا جاده البحار پیشروی کرده ، جلو حرکت دشمن را در این جاده سد کردند و جلوی محاصره نیروهای تیپ قمرینی هاشم (ع) و لشکر علی بن ابیطالب (ع) را می گیرند و از فشار روی آنها می کاهند . طی این نبرد تعداد زیادی از نیروهای دشمن کشته شده ، بسیاری از امکانات آنها منهدم می گردد، در این نبرد چند تانک لشکر نجف که در همین شب به منطقه رسیده بود، به کار گرفته شد. طی این درگیری تعدادی از نیروهای این لشکر از جمله ۶ مسئول دسته به شهادت رسیدند.

(مضمون گزارش فرمانده گردان لشکر نجف - نوار ۱۷ جلسه ۶۷/۲/۲)

لشکر ۲۵ کربلا در شروع عملیات هنگامی که نیروهایش قصد دارند از جاده استراتژیک بالا بروند، دشمن برای مقابله با آنها توان بالایی را کار می گیرد. مخصوصاً روی جاده و سمت

چپ آن زرهی و نیروی زیاد دشمن که به درگیری شدید پرداختند ولی موفقیتی به دست نیاوردند .

همزمان با یگان های فوق ، حدود ساعت ۴/۴۵، لشکر امام حسین (ع) مانور خود را در محور ام القصر شروع می کند . تانکها و تیربارهای دشمن از قبل فعال شده جاده ام القصر و دو طرف آن با آتش خود پوشانده و با نورافکن تانک ها منطقه را روشن کرده است . نیروهای لشکر امام حسین (ع) در برخورد درو درو با دشمن در جاده ام القصر تعدادی از نفرات دشمن را کشته ، تانکهای او را منهدم می کنند، ولی پیشروی از این طریق ممکن نمی گردد. گروهانی دیگر از این لشکر به پهلولی دشمن می زند تا دشمن را عقب بزند ، ولی آنها هم به جز کشتن تعدادی و انهدام چند تانک موفقیتی کسب نمی کنند . به علت عدم الحاق نیروهای این لشکر با یگان دیگر و روشنائی تدریجی هوا که خطر محاصره لشکر توسط دشمن می رود ، برای همین به دستور فرمانده لشکر، نیروها اوایل صبح عقب کشیده، پشت خط قبلی (کانال بالای شهر و امتداد آن که به خط امام حسین (ع) نام گذاری شده بود)، مستقر می شوند. طی این نبرد تعداد زیادی از رزمندگان لشکر امام حسین (ع) شهید و مجروح شدند که امکان انتقال غالب آنها به عقب میسر نگردید .

(مضمون گزارش فرمانده گردان لشکر امام حسین (ع) - نوار ۱۹-۶۷/۲/۲)

روز دوم ، هجوم با تشدید آتش دوربرد دشمن از حدود ساعت ۵ صبح آغاز و فشار روی نیروهای خودی شروع می شود . فرمانده لشکر امام حسین در ساعت ۶ خبر از تهدید نیروهایش توسط تانک های دشمن که روی جاده ام القصر ستون شده اند، می دهد و درخواست کمک می کند و می گوید لازم است اینها با هواپیما بمباران شوند. ضمناً یادآوری می کند که تعداد زیادی از نیروهایش شهید و مجروح شده اند. ساعت ۶/۱۵، فرمانده لشکر نجف طی تماسی اعلام می کند :

"بچه های ما روی جاده البحار هستند . مساله حیاتی این است که نیرو به کمک آنها بفرستید . لشکر امام حسین (ع) یا

لشکر علی بن ابی طالب را به کمک آنها بفرستید. من خودم شیمیائی هستم و کاری نمی توانم بکنم. این کار حیاتی است. اقدام کنید که وقت نگذرد.

همچنین لازم است جاده شکافته شود. بگویید این کار را انجام دهند."

"در همین زمان فرمانده تیپ قمر بنی هاشم خبر از حمله و فشار دشمن بر نیروهایش که هنوز در خط مقدم حضور دارند، داده، درخواست کمک می کند. فرمانده قرارگاه کربلا به تیپ بقیه الله که حدود ۱۰۰ نفر نیروی آزاد دارد، دستور می دهد به کمک آنها بشتابند.

(ماخذ یاد شده ص ص ۱۱۷-۱۱۵)

بمباران پل

همزمان با فعالیت زمینی، هوایماهای دشمن بی وقفه عقبه های خودی مخصوصاً پل و اطراف آن را بمباران می کنند. اوایل صبح، هوایماهای دشمن، پل بعثت (پل لوله ای اروند)، یعنی تنها پل ثابت و اصلی ترین راه تدارک منطقه فاو را مورد هدف راکت های خود قرار داده، با تخریب ۲۳ نقطه آن راه ورود و خروج هر خودرویی را قطع می کنند. بلافاصله به مهندسی دستور ترمیم پل داده می شود، ولی شدت بمباران، آتش و شیمیائی دشمن مخصوصاً در اطراف پل امکان هر اقدامی را سلب کرده است. علاوه بر تاکید روی ترمیم پل بعثت، برادر رحیم دستور می دهد پل یونیفولت را که کنار اروند حاضر است، متصل کنند تا قابل تردد شود و نیز تعدادی قایق آماده کنند، گفته می شود لجستیک، ۳۰ فروند قایق به منطقه آورده که سکاندار ندارد.

به دنبال قطع تردد خودروها و کند و مشکل شدن تردد نیروهای پیاده، مشکلات افزایش می یابد. اگر تاکنون به اتصال منطقه فاو به عقبه خودی در شرق اروند مطمئن بودیم و امید داشتیم که امکانات و نیرو هر چند به کندی می رسد، از بعد از بمباران پل، این اطمینان را از دست دادیم با آن که قایق ها هنوز تردد می کنند ولی وسعت بمباران، آتش و شیمیائی دشمن در اطراف اسکله های فعال، استفاده از قایقها را مشکل تر می کند

، (مقدار خرابی پل دو سه متر بیشتر نبود و افراد سالم با کمی شنا موفق به عبور می شدند).

تنها وسیله ای که مانع از ایجاد خسارت بیشتر به پل محسوب می شود، سیستم هاوگ... شب گذشته می بایست هاوگ در منطقه به کار می افتاد، ولیکن ساعاتی بعد (۱۲/۳۰) یکی از برادران نیروی هوایی سپاه خبر می دهد:

"سایت هاوگ تا یک ساعت دیگر راه انداز می شود."

(ماخذ قبلی ص ص ۱۲۲-۱۲۱)

با توجه به فشار دشمن برای پیشروی و عقب زدن کامل نیروهای خودی، از خط پدافندی، برادر رحیم معتقد است:

"این خط (خط لشکر حضرت امام حسین (ع) - کانال) احتمالاً سقوط خواهد کرد. باید به فکر خط بعدی باشیم."

فرماندهی کل با این طرز تفکر برخورد کرده، در گفت و گو با برادر رحیم (توسط برادر رشید)، چنین واکنش نشان می دهد:

"هیچ فایده ای ندارد یعنی چه؟ همین کانال را بایستی محکم بچسبند."

فرمانده قرارگاه کربلا که در قرارگاه سیدالشهدا (ع) نزد برادر رحیم است، چنین می گوید:

"خط بعد هم همین طور است، آن هم دو ساعت دیگر سقوط خواهد کرد. باید همین خط (کانال) را محکم نگه داریم."

(یادداشت های راوی دفترچه ۱، صفحه ۶۸، تاریخ ۶۷/۱/۲۹)

در ساعت ۹/۴۰، جانشین فرمانده لشکر امام حسین (برادر ابوشهاب) هم خبر از نزدیکی نیروهای دشمن به خط پدافندی و پیشروی آنها تا ۴۰ - ۳۰ متری نیروهای خودی می دهد. فرمانده لشکر کربلا و جانشین لشکر امام حسین (ع) با مشاهده وضعیت فوق و نزدیکی دشمن به آخرین خط قابل پدافند (خط لشکر حضرت امام حسین (ع)) و احتمال سقوط آن، برای مقابله، خود شخصاً دست به کار شده، با برداشتن آرپی جی به شکار تانکهای دشمن می روند.

”به موازات کسب پیروزی های غیرمنتظره در منطقه شلمچه، تداوم عملیات، جایگزین سیاست و روال قبلی جنگ (آمادگی چند ماهه و انجام یک عملیات توان و اهداف مشخص) گردید که در آن درگیری بدون وقفه تا بروز تغییر اساسی در جنگ ادامه می یافت. در همین رابطه از سوی مسئولین رسماً اعلام شد که هدف از عملیات کربلا ۵ رسیدن به بصره نیست، بلکه انهدام دشمن است و ما در همین منطقه با دشمن تسویه حساب خواهیم کرد.“

سنگین، هر وقت مسأله فشار دشمن و نیاز به آتش مؤثر برای مقابله با او مطرح می شود، همه فرماندهان اعم از فرماندهی کل، جانشین فرمانده نیروی زمینی، فرماندهان یگان ها و مسئولین قرارگاه، ضرورت هواپیما و هلی کوپتر را برای این منظور یادآور می شوند. (ماخذ قبلی ص ص ۱۲۷-۱۲۶)

کلیات و مباحث اساسی

نمونه های سری (ب):

نمونه های این قسمت به ترتیب تاریخ، از آثار زیر انتخاب شده است:

۱- عملیات انجام نشده و الفجر ۸

۲- عملیات بدر

۳- عملیات قادر ۱-۲-۳

۴- مسائل اساسی جنگ و سپاه پس از بدر از: ”مجموعه

گزارش های نبرد بزرگ و الفجر ۸“

۵- تداوم عملیات در شرق بصره تا کربلا ۸ از: ”سلسله

گزارش های اجمال جنگ“

۶- کربلا ۱۰ گزارش راوی خاتم

از هر یک از منابع و آثار فوق، بخش هایی انتخاب شده که

به ترتیب درج می گردد:

افراد حاضر در قرارگاه نگران حال آنها هستند. فرمانده قرارگاه کربلا و برادر رحیم در تلاشند آنها را برگردانند، با بی سیم تماس گرفته می شود، بی سیم چی فرمانده ل - ۲۵ می گوید:

”مرتضی (قربانی) جلو رفته و بی سیم همراه او نیست که بتوانید با او تماس بگیرید.“

به بی سیم چی تاکید می شود:

”او را پیدا کرده، بگویند با قرارگاه تماس بگیرد.“

چند دقیقه ای می گذرد، ولی از برادر مرتضی قربانی و ابوشهاب خبری نمی شود. نگرانی ها افزایش می یابد، برادر کاظمی می گوید:

”ممکن است عراقی ها آنها را بگیرند.“

برادر رحیم صفوی چاره ای به نظرش می رسد، یادداشتی نوشته، ضمن تکلیف آنها به برگشت، یادآور می شود که: این آخرین جنگ ما نیست.“

یادداشت را یکی از برادران برای فرمانده لشکر کربلا می برد. ساعت ۱۰ با شنیده شدن صدای برادر مرتضی از بی سیم، نگرانی برطرف می گردد.

(یادداشت های راوی دفترچه اول ص ۶۸-۶۷/۷۲۹)

در همین زمان، جانشین فرمانده لشکر امام حسین (ع) باز هم خبر پیشروی دشمن را داده، می گوید که نیروهای عراقی در حدود تقاطع جاده استراتژیک، در خط پدافندی (خط لشکر حضرت امام حسین (ع)) نفوذ کرده اند. وی یادآور می شود که برای حفظ خط لازم است او خود آنجا بماند، وگرنه به علت نزدیکی دشمن، بچه ها خط را تخلیه می کنند. (یادداشت های راوی دفترچه اول ...)

هر چه فشار دشمن افزایش می یابد، نیاز به آتشی که پشتیبان نیروی پیاده باشد، محسوس تر می شود. غالب توپ ها، ادوات و تانک ها یا به غنیمت دشمن درآمده یا از کار افتاده است، تنها آتش خودی، آتش ناچیزی است که توسط تعداد محدودی توپ و کاتیوشا از شرق اروند اجرا می شود. با توجه به عدم امکان انتقال سریع وسایل اجرای آتش

نمونه (۱) از: عملیات انجام نشده و الفجر ۸
شرایط سیاسی عملیات

۱- پس از خیبر :

بررسی وضعیت سیاسی جنگ هنگام آغاز عملیات و الفجر ۸ (نامی که موقتاً برای این عملیات انجام نشده انتخاب شده بود)، در واقع همان بررسی اوضاع سیاسی پس از خیبر است. ویژگی مهم این دوران اوج حملات عراق در خلیج فارس و ایجاد بحرانی جدی در این نقطه استراتژیک است. آمریکا نیز بیش از هر زمان دیگر، حضور نظامی و آمادگی دخالت خویش را در منطقه شدت بخشید. در واقع تهاجم غیرمنتظره خیبر به منزله یک شوک آمریکا را به تکاپو و واکنش واداشت تا برای مقابله با چنین حرکات پیش بینی نشده و دور از انتظاری که در صورت موفقیت می تواند معادلات منطقه را بهم بریزد، خود را آماده کند.

... آمریکا با افزایش حضور نظامی و اعلام آمادگی برای دخالت مستقیم که با مانورهای ماهرانه سیاسی جهت زمینه سازی لازم همراه بود، در جهت تحقق دو مورد فوق اقدام کرد و در این رابطه حتی یک شکاری ایران نیز سرنگون شد. اما این اقدامات صورت حادثی به خود نگرفت و برخلاف میل عراق که اشتیاق و افری به دخالت بیشتر و اقدام قطعی تر آمریکا برای حل مسأله جنگ داشت، از حد نیاز فراتر نرفت و به تقویت رژیم عراق برای جلوگیری از سقوط آن اکتفا گردید.

امریکا آن نوع صلح (و در واقع تسلیم) را برای ایران می خواهد که بتواند سرآغازی برای تزلزل و در نهایت فروپاشی نظام و انهدام انقلاب اسلامی باشد، برای همین احتیاج به شرایط جدیدی به خصوص در داخل کشور دارد. مهم ترین گرفتاری های فعلی آمریکا در این رابطه یکی حضور امام است که انقلاب را از سخت ترین بحران ها عبور می دهد و دیگری آلترناتیوی است که هم شرایط قابل قبول برای آمریکا داشته باشد هم زمینه داخلی لازم را تا وقتی مشکلات فوق وجود دارد، جنگ با انواع فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی بر ما و تقویت و تدارک عراق مورد نظر آمریکا خواهد بود.

رژیم عراق نیز که چاره ای جز سالم بیرون آمدن از معرکه برای خویش نمی یابد، خواه ناخواه در خدمت این استراتژی خواهد بود.

در چنین وضعی که برای انقلاب اسلامی هیچ راهی جز به هم زدن این معامله امپریالیستی وجود ندارد، گشایش میدان نبرد دیگری که به خلاف خلیج فارس در آن ابزار و تجهیزات استراتژیک و تکنولوژی پیشرفته، تعیین کننده نباشد و امکانات انقلاب اسلامی در آن به کار رود و بتواند ضربه ویران کننده ای به ماشین جنگی عراق بزند، می توانست برنامه ریزی مکارانه آمریکا را در هم بریزد و شرایط جدیدی به وجود بیاورد که در آن، جمهوری اسلامی امکان مانور لازم را برای منفعل کردن آمریکا و ایجاد زمینه مناسب برای تحقق خواسته های خویش بیابد. قرار بود این میدان منطقه عملیاتی و الفجر ۸ باشد.

آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان عالی ترین مقام اداره عملیات و هماهنگ کننده ارتش و سپاه، هنگامی که آخرین اقدامات برای انجام این عملیات انجام می گرفت، در جلسات توجیهی گوشه ای از اوضاع سیاسی جنگ را چنین مطرح می کند:

"هر روز که از این جنگ می گذرد، مسائل از کانال سیاسی، نظامی برای ما مشکل تر می شود و دشمن خود را آماده تر می کند.

قدرتهای سیاسی دنیا دست اندر کارند تا ما را از پیروزی مطلق بازدارند و کشورهایمانند ترکیه و پاکستان مایل نیستند ما به پیروزی برسیم. سوریه و لیبی که با ما خیلی صمیمی هستند، می خواهند ما به گونه ای پیروز شویم که دستمان در عراق باز نباشد.

در هر کنگره و کنفرانس که شرکت می کنیم، به ما می گویند صلح کنید. از نظر سیاسی چقدر می توان برای صلح نکردن مقاومت کرد؟ خریدهایی در آلمان و انگلیس داریم که در داخل به آن نیاز مندیم، ولی نمی دهند تا صلح کنیم و همه کارها برای این است که ما از پیروزی مطلق چشم پوشی کنیم.

اگر همه دنیا گفتند صلح و ما نکردیم، دشمن بمب اتم هم

بیان‌دازد، برای دنیا توجیه شده است." (۶۳/۴/۳۰-دزفول)

ضرورت عملیات :

با توجه به شرایط سیاسی فوق، ضرورت یک عملیات نظامی موفق در زمین، نزد مسئولین و فرماندهان به شدت احساس می‌گردد. برادر رشید (معاون دوم فرماندهی عملیات سپاه پاسداران) می‌گوید:

"با اقدامات جنون‌آمیزی که دشمن در خلیج فارس می‌کند، اگر ما بازنده بشویم، دیگر رو به عقب می‌رویم و گام به گام باید عقب برویم و معلوم نیست این عقب‌نشینی تا کجا پیش برود. عقب‌نشینی در مواضع سیاسی جمهوری اسلامی، فشار را شدیدتر خواهد کرد. در این حرکتی که دشمن کرده (خلیج فارس)، ما توان کافی برای جنگ در خلیج نداریم.

ما همه امید و همه تلاش و غم و غصه مان این است که یک جایی را پیدا کنیم و دست به اقدام (عملیات) بزنیم و یک حمله مجدد بکنیم، ولو با ۳۰ درصد موفقیت یا ۴۰ درصد تا جنگ را از این حالت نجات دهیم."

(ماخذ یاد شده ص ۱۳-۹)

نمونه (۲) از: عملیات بدر

۱- امید به پایان هر چه زودتر جنگ :

شکست‌های پی‌درپی سیاسی - نظامی امریکا در جبهه داخلی و خارج و عقب‌نشینی مفتضحانه صدام ما را امیدوار کرده بود که می‌توانیم هر چه زودتر به نحو مطلوب جنگ را به پایان برسانیم، اگر چه آینده جنگ پس از عقب‌راندن صدام به پشت‌مرزها برای مادر وهله اول کمی مبهم می‌نمود، ولی به هر حال تصور نمی‌کردیم که زدودن آثار تجاوز صدام به طور طبیعی هویت استراتژی سلطه‌گرانه امریکا را در منطقه منخوش کرده، قدرتمندی جمهوری اسلامی را در ابعاد بسیار گسترده‌ای تثبیت نماید. لذا تصور این که ما برای رسیدن به حقوق خود و رفع فتنه، جنگی درازمدت با مشکلات فراوان را باید تدارک ببینیم، برایمان ناآشنا بود.

۲- مساله رده‌های مختلف فرماندهی در جنگ :

در طول جنگ از میان نیروهای بسیجی، فرماندهان بسیار

شجاع و مدبری برخاستند که هم‌اکنون اکثریت قریب به اتفاق فرماندهان عمومی ما را (از گروهان به پایین) تشکیل می‌دهند. متأسفانه با داشتن چنین تجربه درخشان و در اختیار بودن اقیانوس موج امت مسلمان، امروز بزرگ‌ترین ضعف ما را نبودن فرماندهان کافی در رده‌های گردان به بالا تشکیل می‌دهد.

۳- عدم گسترش کمی بسیج

اگر ما جنگ را به صورت درازمدت فرض می‌کردیم، ویژگی‌های جنگ ما را متقاعد می‌کرد که باید علاوه بر آموزش کیفی نیروها همواره در گسترش تعداد لشکرها بکوشیم. دشمن با آن که تکیه اساسی اش بر سلاح بود، از آغاز جنگ تاکنون تعداد نیروهای پیاده و رزمنده خود را از ۸۰/۰۰۰ نفر در یگانهای پیاده به ۳۴۰/۰۰۰ نفر رسانده است و سازمان رزمی خود را از ۱۲ لشکر سازمانی و ۱۰ تیپ مستقل به ۲۰ لشکر پیاده و ۸۰ تیپ مستقل رسانیده است. استعداد نیروی زمینی ارتش عراق در مجموع نیروهای پیاده، مکانیزه، زرهی و توپخانه عبارت است از ۵۵۰ گردان پیاده، ۱۲۰ گردان تانک و مکانیزه (۵۴۰۰ الی ۶۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر) و ۱۲۰ گردان توپخانه. ما از فتح المبین تاکنون، به استثناء عملیات خیبر، در طرح مانورها همواره با کمبود نیرو و سازمان رزم مواجه بوده‌ایم. در عملیات خیبر نیز با وجود نیروی فراوان بسیجی، فاقد سازمان رزمی بودیم که بتواند از این نیروها بهره‌بردار.

می‌بینیم که مسائل فوق به طور زنجیره‌ای مشکلاتی را بر محور عدم اعتقاد به جنگ درازمدت به وجود آورده است:

ضعف آموزش کیفی بسیجان ضعف در شناسایی نیروهای لایق در رده‌های مختلف فرماندهی در بسیج

عدم اعتقاد به جنگ درازمدت

ضعف برنامه ریزی در بهره‌گیری از ضعف گسترش کیفی و کمی سازمان نیروهای مردمی در عملیات درازمدت رزمی (امیدواری به قطع هر چه زودتر جنگ)

به طور خلاصه برای رهائی از توقف نسبی مادر جنگ، در مقابل طرح بالا باید در تحقق طرح زیر بکوشید:

آموزش کیفی بسیجیان شناسائی نیروهای لایق در رده های مختلف فرماندهی در بسیج

اعتقاد به جنگ درازمدت

برنامه ریزی در بهره گیری از نیروهای گسترش کیفی و کمی سازمان رزم مردمی در عملیات درازمدت (ماخذ ذکر شده ص ص ۲۵۸-۲۵۷)

نمونه (۳) از: عملیات قادر ۱-۲ و ۳

در "قادر" چارچوب خاصی از روابط ارتش و سپاه و نقش هر یک از آنها در جنگ "برنامه ریزی و اجرا گردید و باعث شد که یک جمع بندی از روابط چند ساله ارتش و سپاه که تاکنون به این وضوح، حتی برای آنها که از نزدیک با این گونه مسائل درگیر هستند، روشن نبوده است، به دست آید. این نتایج که قابل بررسی و ارزیابی است، اگر به دقت و به درستی صورت گیرد، قطعاً تأثیرات اساسی در برنامه ریزی ها و نظرات مسئولین داشته، حتی می تواند باعث تغییرات استراتژیک در سازمان دهی امور نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی گردد. گزارش حاضر در همین رابطه می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

در این گزارش آنچه برای راوایان محسوس و ملموس بوده، منعکس گردیده و روح حاکم بر آن، جمع بندی نظر کسانی است که در منطقه و عملیات حضور داشته اند، و تلاش شده این امانت حفظ شود. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، سعی کرده با ارائه نظرات فوق، مسئولین را با آنچه در منطقه گذشته، و نیز با روحیات و نظرات برادران دست اندرکار بیشتر آشنا کند.

در این مقدمه، بیان این نکته ضروری است که ماهیت اعتقادی و بافت خاص سپاه در هر تصمیم گیری و حرکت مهم یا هر تحول جدید، نقش اصلی و تعیین کننده را ایفا کند. در غیر این صورت اشکالات عمده مانع انجام کامل کار خواهد بود، در واقع فرماندهی کل بیشتر نقش تحسین و هدایت و اصلاح را به عهده دارد. اگرچه در بسیاری از عملیات ها تعیین محل نبرد مثل خیبر و فتح المبین و ... همچنین ابتکاراتی از جمله

زلیجان و ارتفاعات چاه نفت و ارتفاعات شمال جاده دهلران. عین خوش در فتح المبین و ... از هنرهای فرماندهی بوده است. برخلاف ارتش های کلاسیک دنیای امروز که با برنامه ریزی دقیق و علمی از نفسانیات و ماده پرستی بهره گیری کرده، در مجموع یک ماشین عظیم را به کار می اندازند که تک تک مهره های این ماشین تحت جو خاصی که در آن داده شده اند، حرکت دلخواه را انجام می دهند.

گزارش حاضر نشان می دهد که چطور در رده های مختلف سپاه، از فرماندهان رده بعد از فرماندهی کل تا نیروهای تک و بسیجی همه در قبال مسائل یک نوع واکنش نشام می دهند. این مجموعه، فرماندهی کل را تحت فشار شدیدی قرار می دهد که جوابگویی به آن آسان نیست، فرماندهی کل بایستی در توجیه این گونه حرکات، ظرافت و دقت لازم را به کار برد تا هم برادران توجیه و هم مصالح رعایت شود و نیز عوارض اجتناب ناپذیر طرح، مشکل به بار نیورد. این امر دشواری است و گاهی اجتناب ناپذیر است. (ماخذ یاد شده ص ص ۲۰۱ مقدمه)

برادر احمد:

"اگر این عملیات بزرگ را بخواهیم با ۲۷ گردان انجام بدهیم، پشتیبانی آتش چه می شود؟ هوانیروز و ... اینها باید تکلیفش مشخص بشود. خط را کی تحویل بگیرد با وجود این امکانات چرا باید مظلومانه بجنگیم؟ اصلاً مسائل مهم عملیات مشخص نیست، نه توپخانه نه ... باید تکلیفی برای اینها معلوم شود.

برادر محسن:

"اینها را حل می کنیم.

برادر احمد:

"دو سال است! شما از قبل از خیبر گفته اید حل می کنید، آخر تا کی؟ برادر محسن! بچه ها دارند می روند، باید حل بشود.

برادر محسن:

"هیچ کس نمی رود، این قدر ما شهید دادیم ... (مکت)

الحمدلله که آخرتی هست و الحمدلله که ما برای دنیا نمی جنگیم، وقتی این طور باشد، دیگر هیچ جای غم و غصه نیست و آدم باید کمرش را محکم ببندد و الحمدلله که پایان ما عاشوراست.

برادر احمد:

"هر روز عاشورا است، خیبر عاشورا، بدر عاشورا، این (قادر) عاشورا..."

برادر محسن:

"اگر این مظلومیت نبود، شما می دیدید که تا به حال اسلام از بین رفته بود، این مظلومیت است که سنگ را آب می کند." ... مخصوصاً این بچه هایی که هنوز هم به جبهه می آیند، مثلاً این بچه هایی که رفته اند و در ارتفاعات مانده اند، اینها دیگر جزو بهترین ها هستند، چون کسی در این شرایط به جبهه نمی آید. همه رفته اند دارند خانه می سازند، لیسانس می گیرند، خانواده تشکیل می دهند... این بچه ها با آن غیرت حسینی شان."

برادر احمد:

"برادر محسن، با جنگ می خواهیم چه کنیم؟"

برادر محسن:

"با جنگ هم... الان فشار زیادی روی امام هست، هم از نظر مسائل اقتصادی و... اگر فردا سپاهی ها بیایند و بگویند که ما نمی جنگیم، این دیگر مثل بمب صدا می کند و می گویند خب اینها نزدیک ترین کس به امام بوده اند و بازوهای خودشان هستند، اینها هم می گویند ما نمی توانیم و نمی خواهیم بجنگیم."

برادر احمد:

"ما از طریقتش می خواهیم بجنگیم. نمی خواهیم همین جوری و این رقم بجنگیم، هر روز، تا کی (مکت)، پیشنهاد می کنم.. و امکانات هجومی همه در اختیار نیروی جنگنده باشد. (ماخذ قبلی ص ص ۵-۳ مقدمه)

نمونه (۴) از: مسائل اساسی جنگ و سپاه پس از بدر

"مجموعه گزارش های نبرد بزرگ والفجر ۸"

نگاهی به وضعیت کلی جنگ پس از بدر

"پس از بدر، جنگ شهرها که چند روز پیش از این عملیات، آغاز شده بود، با قوت ادامه یافت. شدت درگیری های متقابل طوری بود که عملیات بدر و نتایج آن را در صحنه جهانی تحت الشعاع قرار داد. به خصوص به کارگیری موشک های زمین به زمین دوربرد، توسط جمهوری اسلامی که عامل جدید و موثری در ایجاد موازنه قوا محسوب می گردید، قابل اشاره است (قبل از این نیز مناطق مسکونی ایران بارها مورد هجوم هوایی قرار گرفته بود، اما این مرحله از جنگ، به خاطر ابعاد گسترده آن و به خصوص شروع مقابله به مثل جمهوری اسلامی ایران مشخصاً چنین عنوانی به خود گرفت).

مرحله اول جنگ شهرها در هفدهم فروردین ماه ۶۴، همزمان با سفر دبیرکل سازمان ملل به دو کشور درگیر خاتمه یافت. در این فاصله شدت حملات عراق در خلیج فارس و زدن مداوم کشتی ها و همچنین تهدید هواپیماهای مسافربری در آسمان ایران و قطع پروازهای شرکت های هوایی بین المللی نیز قابل ذکر است.

مرحله دوم جنگ شهرها، اوائل خرداد به بهانه وقوع انفجاراتی در کویت و اقدام به ترور امیر آن کشور آغاز شد و تا ۲۵ خرداد (روز قدس) به شدت ادامه یافت.

در این مدت، جمهوری اسلامی سخت ترین شرایط را از آغاز جنگ می گذراند. عملیات بدر که به فاصله یک سال پس از خیبر انجام می گرفت، امیدهای زیادی را نزد مسئولین به وجود آورده بود، و طبعاً عدم موفقیت می توانست بسیار شکننده باشد. اما در نزد مردم، هر چند نتیجه حاصله بی اثر نبود، ولی انفجار موشک های جمهوری اسلامی در بغداد، خود نوعی پیروزی تلقی شده، تا اندازه ای نتایج منفی حاصل از عدم الفتح را در عملیات بدر تحت پوشش قرار داد.

(ماخذ یاد شده ص ۷)

"از سوی دیگر فشارهای همه جانبه داخلی و خارجی و افزون بر آن احساس ناتوانی در ادامه جنگ، باعث می شد خطر بروز تردید در ادامه جنگ و یاس و نومیدی مسئولین به صورت

جدی و تهدید کننده ای در آید .

برای پشت سر گذاشتن این وضعیت بایستی تصمیمی جدی اتخاذ می گردید ، تا آنچه ادامه جنگ را تهدید می کرد ، یکسره کنار گذاشته شود ، ولی تردید ، حتی قدرت تصمیم گیری را تهدید می کرد . در این میان تنها نظر امام می توانست گره گشای کار باشد . از این رو ملاقاتی ترتیب داده شد که در آن آقایان رئیس جمهور و رئیس مجلس حضور داشتند ، امام فرمودند :

"باید جنگ را تا سقوط صدام ادامه دهیم و به صورت قاطع نیز باید ادامه یابد ."

(به نقل از برادر محسن رضائی - مورخه ۶۴/۳/۴ در جمع مسئولین و اعضای شورای عالی سپاه - تهران) در مورد نظرات امام ، نقل قول های دیگری نیز وجود دارد از جمله :

"حتی اگر یک خانه سالم مانده باشد و یک نفر در این مملکت زنده مانده باشد ، این جنگ را ادامه خواهیم داد ." (نقل به مضمون گفته می شود این سخن در اوج بمباران شهرها در جواب یکی از مسئولین کشور که پرسیده بود "جنگ تا کی؟" گفته شده است) .

با مشخص شدن تکلیف کار و سیر حرکت توسط امام ، تنها راه ، اقدام در جبهه های زمینی جنگ بود . به این جهت ارتش و سپاه به عنوان دو بازوی اجرائی

جنگ فراخوانده شدند و در مورد آینده از آنان طرح خواسته شد (اواخر اردیبهشت ماه ۶۴) ، و مقرر گردید هر یک در فرصت داده شده طرح های خود را ارائه دهند .

سپاه از این ماجرا استقبال کرد و فرصتی یافت که ضمن ارائه طرح های ادامه نبرد ، مشکلات خود و به طور عموم مشکلات جنگ را که ۴ سال با آن درگیر بوده است ، مطرح کند .

فرماندهی سپاه ، فرماندهان مناطق ۵ گانه ، قرارگاه ها و بعضی یگانها را به تهران فراخواند تا ضمن مشورت با آنان طرح هایی تهیه کرده ، به شورای عالی دفاع ارائه نماید .

(ماخذ قبلی ص ۱۰)

در جلسه فرماندهان سپاه مورخه ۶۵/۲/۲۵ در تهران ، ضمن

یادآوری توان دشمن مقایسه ای به نحو زیر انجام گرفت :

"نیروی پیاده عراق (با جمعیتی کمتر از یک سوم جمعیت ایران) ۳ برابر ما است . عراق از ۱۳ میلیون جمعیت خود یک میلیون رامسلح کرده است . ما حداکثر ، ۱۰۰ گردان آفند می کنیم و عراق قادر است با ۳۰۰ گردان آزاد با ما مقابله کند . الان در سرتاسر خط پدافندی دشمن ، از ۱۲ لشکر سازمانی شاید ۳ لشکر در خط باشد ، یعنی حدود ۹ لشکر آزاد است . اینها کارشان آموزش و مانور است . قوی می شوند و هر جا ما تک می کنیم ، مثل اجل معلق می آیند روی سر ما ، انبوه تانک و زرهی و آتش هم دارند .

در این شرایط کل نیروئی که سپاه در اختیار دارد ، حداکثر ۸۰ گردان است . این نیرو حداکثر توان ۷ روز جنگ را دارد . پس از آن ، دشمن با ۲۰ تا ۳۰ تیپ و لشکر زرهی و مکانیزه تازه نفس و سر حال بر سر ما می ریزد ." (۱)

این نابرابری ها ، در زمینه ای است که به عنوان نقطه قوت ما در برابر دشمن تلقی می شود (نیروی انسانی) ، و باز هم چیزی داریم که آن را مقایسه کنیم .

در جنبه های دیگر اوضاع وحشتناک تر است و اصلاً زمینه ای برای مقایسه نیست . فی المثل در مورد آتش گفته شد : "اگر ما در عملیاتی ، ۱۰۰ هزار گلوله مصرف کنیم ، دشمن با یک میلیون و دو میلیون گلوله جواب می دهد . توان آتش عراق شاید ۵۰ برابر ما باشد ."

در مورد جنگ هوائی :

"ما یک زمانی می گفتیم برتری هوایی مال دشمن است ، الان این طور نیست ، آسمان جبهه به طور مطلق در اختیار دشمن است .

برتری هوائی یعنی این که مثلاً ما ۵۰ فروند جنگنده به کار بگیریم و دشمن ۱۵۰ فروند ، ولی الان در عملیات می بینی آسمان پر از هواپیماهای دشمن است و ما هیچ نداریم و چیزی که آنها را بزند هم نداریم ." (۲)

از جهت امکانات دیگر نیز اوضاع همین طور است ،

زرهی، سلاح شیمیائی و ... علاوه بر ضعف در زمینه زرهی، امکانات ضد هوایی، آتش و حتی سلاحهای ضد زره نیز جمهوری اسلامی ضعیف است.

"ما شاید در مقایسه با عصر حجر برتری می‌جنگیم. فرق ما با عصر حجر این است که برد سلاح ما از ۵ الی ۶ متر به ۱۰۰ الی ۱۱۰ متر رسیده است.

ما تانک را از ۲۰۰ متری هم نمی‌توانیم بزنیم، باید بیاید جلو، این برد سلاح ماست." (۳)

آنچه ذکر شد، روشن می‌کند که چرا ما بسیاری از اصول جنگ را نمی‌توانیم رعایت کنیم و رعایت نکرده ایم. از جمله موارد زیر را:

اصل تجزیه دشمن

تجربه چند ساله برادران ثابت کرده که تمرکز قوای ما در مقابل تمرکز دشمن محدود و ناتوان است و برای به دست آوردن موفقیت، تجزیه دشمن امری ضروری است. لازمه تجزیه دشمن درگیر کردن قوای آن در چند جبهه و حداقل در دو جبهه است.

توان ضعیف و محدود خودی قادر نیست دشمن را حتی در دو جبهه به طور جدی درگیر کند و همواره به دلیل نیاز فوری به تصرف و تامین اهداف مهم و با ارزش با حداقل توان ممکن، ما به تمرکز در مقابل دشمن کشیده شده، شکست خورده ایم.

بدیهی است که در تجزیه دشمن تنها نیروی رزمنده آن تجزیه نمی‌شود، بلکه کلیه امکانات آن (هوایما، آتش و ...) تجزیه خواهد شد و بدین ترتیب در صد احتمال موفقیت در یکی از چند جبهه به مراتب افزایش می‌یابد.

اصل غافلگیری

به دلیل عدم توانائی در انجام فعالیت در چند جبهه و این که همواره برای آمادگی عملیات مجبور به فعالیت شدید در یک منطقه هستیم، غافلگیری همواره آسیب‌پذیر بوده و قابل رعایت نیست، به خصوص این که دشمن از عوامل و امکانات کسب اطلاعات قوی برخوردار است در این باره گفته شد:

"ما با این توان نمی‌توانیم غافلگیری را رعایت کنیم و قطعاً باید این توان ۲ تا ۳ برابر شود که با یکی فریب بدهیم و با ۲ توان دیگر بتوانیم به طور جدی عمل کنیم." (۴)

اصل انتخاب منطقه عملیاتی مناسب:

توان فعلی، قدرت جنگ در بسیاری از مناطق عملیاتی را از ما گرفته است. به قول یکی از برادران حاضر در جلسه مزبور:

"(در شرایط فعلی باید) برویم جایی عمل کنیم که به یک عارضه طبیعی یا مصنوعی برسیم که بشود نیرو برداشت کرد. ما جایی می‌توانیم بجنگیم که بلافاصله پشت یک رودخانه، یک عارضه یا تنگه‌ای برسیم تا دشمن به راحتی نتواند به ما حمله کند." (۵)

در واقع استراتژی حرکت محدود، دیکته می‌کند که با همین حرکت محدود در یک عملیات، باید یک هدف با ارزش گرفته شود. اما برادران بر اساس تجربه می‌گویند:

"مسئولین می‌گویند جنگ، جنگ تا یک پیروزی، و سه

عراق بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ فروند جنگنده شکاری در

اختیار دارد، از جمله هواپیماهایی از نوع میگ

۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۵، سوخوی ۷ و ۲۲،

میراژ اف یک و ... به اینها بایستی حدود

۵۰ فروند هواپیماهای ملخی پی سی را افزود.

لازم به یادآوری است که توان نیروی هوایی

عراق همانند نیروی زمینی آن در طول جنگ بالا

رفته است. در شش ماهه اول جنگ،

حدود ۷۵۰۰ سورتی پرواز داشته، ولی در

نیمه دوم سال ۶۰ این تعداد به ۱۵۰۰۰ می‌رسد.

این رقم در سال‌های ۶۱ و ۶۲ رشد نداشته،

ولی در نیمه دوم سال ۶۳ به ۲۶۰۰۰ رسیده و

در سال ۶۴ (تا حدود آذر ماه)،

توانست ۳۰۰۰ سورتی پرواز انجام دهد.

سال است که ما بر این خط عمل کرده ایم. ما در این خط به بن بست رسیدیم، اگر باز هم این گونه حرکت کنیم، باز هم نتیجه همان است. ما قادر نیستیم." (۶)

و یا: "با تجاربی که بعد از عملیات رمضان گرفته تا والفجرها و حتی خیبر و بدر، به این نتیجه قطعی رسیدیم که با این مقدمات و امکانات نمی توانیم عملیات گسترده داشته باشیم." (۷)

(نقل قول های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ اظهارات فرماندهان ارشد سپاه در جلسه مزبور بوده است).

در جمع بندی مباحث فوق، نتیجه این بود که بدون تغییر استراتژی و بدون ایجاد تحرک و تقویت اساسی در توان خودی، آینده جنگ مورد تردید است.

بحث افزایش توان شامل هر دو جنبه سازمان رزم (نیرو) و امکانات و تجهیزات بود، اما آشنایی برادران با شرایط کشور، محدودیت در تامین امکانات و تجهیزات لازم به دلیل مسائل سیاسی، اجتناب ناپذیر می نمود، لاجرم عمدتاً گسترش سازمان رزم در دستور کار قرار گرفت. طبعاً برآوردها بستگی به وضعیت و شرایط موجود (از نظر امکانات و تجهیزات) داشت و کمبودهای دیگر می بایست حتی المقدور با نیرو جبران شود. (ماخذ قبلی ص ص ۳۹-۳۶)

نمونه (۵) از: تداوم عملیات در شرق بصره تا کربلا ۸ "سلسله گزارش های اجمالی جنگ"

"به موازات کسب پیروزی های غیرمنتظره در منطقه شلمچه، تداوم عملیات، جایگزین سیاست و روال قبلی جنگ (آمادگی چند ماهه و انجام یک عملیات توان و اهداف مشخص) گردید که در آن درگیری بدون وقفه تا بروز تغییری اساسی در جنگ ادامه می یافت. در همین رابطه از سوی مسئولین رسماً اعلام شد که هدف از عملیات کربلا ۵ رسیدن به بصره نیست، بلکه انهدام دشمن است و ما در همین منطقه با دشمن تسویه حساب خواهیم کرد."

متعاقب این تغییر مشی، و برای تحقق سیاست جدید جمهوری اسلامی در ادامه عملیات کربلا ۵، منطقه شرق

بصره جهت تداوم عملیات مورد نظر قرار گرفت. جمهوری اسلامی در تدبیر جدید خود انهدام قوای نظامی عراق و پیشروی هر چند بطئی در این منطقه استراتژیک را لحاظ کرد تا هر چه سریع تر مقدمات و شرایط مساعد سیاسی برای برکناری و حذف صدام فراهم آید. پیش بینی می شد که تحمیل تلفات گسترده به ارتش عراق و تهدید دائمی بصره در معادلات سیاسی جهانی، تعیین کننده بوده، به حذف صدام منجر خواهد شد و این امر به شرق و غرب تحمیل خواهد گردید.

در کنار اقدامات نظامی قوای ایران در شرق بصره، همزمان، تغییر و تحولاتی در صحنه سیاسی جهان مشاهده می شد. چنانچه اندکی بعد شورای امنیت سازمان ملل، اقدام به برگزاری جلسات متوالی در پشت درهای بسته (به طور سری) برای بررسی راه های دستیابی به صلح در خلیج فارس کرد و تحرکات و فعالیت هایی در سطح منطقه و جهان مشاهده شد که نشان می داد اقداماتی در شرف انجام است.

در چنین وضعیتی قطعاً هر نوع اقدام نظامی نقش تعیین کننده ای را در موضع برتر ایران و نیز معادلات سیاسی - نظامی داشت، به همین جهت با درک شرایط یاد شده تداوم عملیات مورد نظر قرار گرفت. علاوه بر عوامل سیاسی دلایل نظامی دیگری وجود داشت که تماماً تداوم عملیات در شرق بصره را دیکته می کردند که پاره ای از آنها به شرح زیر است.

موقعیت زمین:

مهم ترین عامل در انتخاب منطقه عملیاتی کربلا ۵، ارزشمندی زمین از لحاظ سیاسی - نظامی بود. منطقه عمومی شرق بصره در غرب به قسمتی از رودخانه دجله منتهی می شود که در شرق این رودخانه شهر تنومه و غرب آن شهر صنعتی و مهم بصره واقع شده است.

هر گونه پیشروی از هر محور در این منطقه، از آن جایی که نزدیک شدن به اهداف سیاسی - نظامی با اهمیتی را در پی دارد، نقش موثری را در افزایش تاثیر پیروزی های جمهوری اسلامی داراست.

وجود موانع طبیعی - مصنوعی در منطقه موجب شده زمین شرق بصره از نظر نظامی موقعیت خاصی را دارا باشد. به این معنی که با پیشروی به سمت کانال زوجی و در صورت تامین آن عملاً با گسترش یافتن عقبه نیروهای خودی، امکان عبور از اروند افزایش خواهد یافت، خصوصاً وجود شهر ابوالخصیب و نخلستان‌ها در غرب اروند و وجود هور در جنوب آن، موجب شده تنگه‌ای به عرض ۳ الی ۵ کیلومتر به وجود آید که حضور در آنجا، قدرت مانور نیروهای زرهی و پیاده دشمن را به شدت کاهش داده، در نتیجه تامین آن منطقه امکان پذیر خواهد شد.

در صورت پیدایش وضعیت یاد شده، با توجه به حضور نیروهای خودی در فاو، سپاه هفتم عراق که در حد فاصل دو منطقه فاو و غرب بصره قرار دارد، عملاً ماموریت آن در حفظ بصره منتفی و تنها در دفاع از بندر ام‌القصر موثر خواهد بود. از سوی دیگر، نظر به این که قسمتی از شرق کانال ماهی در اختیار نیروهای خودی است، در صورت گسترش آن به سمت شمال و تامین منطقه "زید" جناحی به طول ۳۰ الی ۵۰ کیلومتر از دشمن گرفته خواهد شد. (ماخذ یاد شده ص ۹-۸)

نمونه (۶) از: کربلای ۱۰ گزراش راوی خاتم"

تغییر جایگاه غرب کشور در استراتژی جنگ

مشی سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی در غرب کشور تا سال ۶۴ کماکان با همان هدف‌هایی بود که قبلاً ذکر شد، چنانچه هنگام بحث و بررسی طرح جدید مبنی بر این که سپاه در غرب کشور فاقد اهداف استراتژیک جنگ است، از سوی برادران سپاه مردود شمرده شد. (امادر عین حال) طی همان جلسات که در سال ۶۴ برگزار می‌شد، برادر محسن هنگامی که منطقه غرب کشور را مطرح می‌کرد، از آن به عنوان منطقه مناسب برای عملیات محدود، نامنظم و عامل موثر در صرفه جویی قوا ذکر می‌کند:

"جنگ نامنظم و جنگ عملیات محدود ما باز در همین منطقه است که اگر ما در آنجا باشیم هم به مسائل نامنظم (برخورد با ضدانقلاب) می‌توانیم برسیم هم به این

عملیات‌های محدود و هم این که صرفه جویی در قوا بکنیم".
(نوار شماره ۱۸ - ۶۴/۳/۹ تهران)

پس از منتفی شدن طرح یاد شده، سپاه در جنوب اقدام به طراحی عملیات والفجر ۸ نمود. در این زمان مجدداً عملیات در غرب به شکل دیگری مطرح شد.

بر این اساس فرماندهی سپاه دست به اقدامات مختلفی زد و ابعاد گوناگون عملیات گسترده، عملیات محدود، بهره‌گیری از نیروهای نامنظم قرارگاه تازه تشکیل شده رمضان و... را بررسی کرد و در عمل نیز اندکی پس از عملیات فاو، عملیات والفجر ۹ در غرب انجام گرفت.

در سال ۶۵ با اتخاذ استراتژی دفاع متحرک از سوی عراق که عمدتاً با هدف بازدارندگی ایران از توسعه سرپل به دست آمده در غرب اروند (ادامه والفجر ۸ به سمت بندر ام‌القصر و بصره) یا عملیات گسترده دیگر صورت گرفت و چون مناطق تصرف شده در عملیات والفجر ۹ و سایر قسمت‌های دیگر منطقه را به تصرف خود درآورد، عملاً مانع از توسعه جاپای به دست آمده در منطقه عملیاتی والفجر ۹ و نیز موجب کندی کار و طراحی و تعویق آغاز عملیات گسترده آتی (کربلای ۴) در جنوب کشور شد.

در همین دوران با تغییر و تحولاتی که در سطح قرارگاه رمضان انجام شد و توافقاتی که مبنی بر ارتباط متمرکز با نیروهای طالبانی (اتحادیه میهنی کردستان) با مسئولیت قرارگاه رمضان صورت گرفت، قرار شد به دنبال تمایل شدید نیروهای طالبانی برای همکاری با جمهوری اسلامی، قرارگاه یاد شده طی تماس نزدیک، مساله را بررسی و تصمیم لازم را اتخاذ نماید. از آنجا که کار با نیروهای اتحادیه میهنی مبهم بود و هنوز نسبت به موضع‌گیری آنها اطمینان وجود نداشت، از سوی جمهوری اسلامی انجام عملیات فتح ۱، با همکاری موثر و تعیین‌کننده اتحادیه، در واقع یک آزمایش مناسب در ارزیابی نیروهای این معارض عراقی بود و بر همین اساس فتح ۱ به عنوان سرآغاز همکاری نیروهای اتحادیه با جمهوری اسلامی انجام گرفت.

... پس از عملیات فتح ۱ و از طرف مشخص شدن میزان توانمندی نیروهای طالبانی و نقش موثر آنها در دست یابی جمهوری اسلامی به اهداف استراتژیک خود در غرب کشور و از طرف دیگر نمایان شدن ضعف و میزان آسیب پذیری رژیم عراق در عمق خاک این کشور، موجب شد در چارچوب استراتژی جمهوری اسلامی، ارتفاعات "آسوس" که در قسمتی از حدفاصل زمین سد دوکان و دربندیخان قرار دارد، برای عملیات کربلای ۱۰ طراحی شود.

... با نزدیکی زمان انجام عملیات کربلای ۴، مجدداً توجه به طرحهای یاد شده ضعیف و کم رنگ تر از گذشته شد، خصوصاً این که در عملیات کربلای ۴ و ۵، قرارگاه نجف و کلیه یگانهای غرب کشور به جنوب اعزام و اقدام به عملیات نمودند.

(ماخذ ذکر شده صص ۱۷-۱۵)

اهداف عملیات کربلای ۱۰:

عملیات کربلای ۱۰، در مرحله جدیدی از استراتژی جمهوری اسلامی در غرب کشور مورد نظر قرار گرفت و به عنوان اولین تجربه سیاسی-نظامی ایران در هماهنگی عملیات نامنظم با عملیات منظم تلقی می شود.

در این میان اهداف عملیات به لحاظ وجود نیروهای طالبانی و توافقات انجام شده، از دیدگاه هر یک از طرفین معنا و مفهوم خاصی دارد، ولی در مجموع آنچه از سوی طراحان نظامی خودی مورد نظر بود، حول محورهای زیر قرار داشت:

۱- باز شدن عقبه قرارگاه رمضان در داخل خاک عراق:

لازمه گسترش همکاری با نیروهای طالبانی و تقویت آنها و نیز تثبیت حضور جمهوری اسلامی در خاک عراق و دست یازیدن بر اهداف استراتژیک ایران، باز کردن عقبه مناسب برای تردد نیروهای خودی و طالبانی به داخل خاک عراق و ایران بود. لذا در طراحی عملیات، زمین منطقه در ابعادی مورد نظر قرار گرفت که عمدتاً تحقق هدف یاد شده را به دنبال داشته باشد.

۲- تسلط بر ارتفاعات آسوس و حرکت به سمت

کرکوک:

منطقه ای که در حدفاصل سد دوکان تا سد دربندیخان مورد نظر جمهوری اسلامی قرار گرفته است، عمدتاً دو هدف مهم و اساسی را پیش روی خود دارد که یکی تهدید و احتمالاً تسلط بر منطقه نفتی کرکوک و دیگری آزادسازی شهر سلیمانیه عراق است. هدف اول به لحاظ این که بر بنیه اقتصادی عراق ضربات قابل توجهی وارد می سازد و نیز دارای تبعات سیاسی فراوان است، در مقایسه با هدف دوم که عمدتاً مشکلات مناطق آزاد شده و تدارک آنها و نیز سایر تبعات را دارد، ترجیح داده شد. در نتیجه در طراحی عملیات، فلش اصلی به سمت کرکوک در نظر گرفته شد.

۳- سرکوب ضدانقلاب:

بعد از عملیات والفجر ۴ و محدود شدن تردد ضدانقلاب از طرفین دشت شیلر، قسمت عمده ای از تردد ضدانقلاب به شمال منطقه شیلر - منطقه عملیاتی کربلای ۱۰. انتقال یافت. در این منطقه نیروهای خباط، شیخ عزالدین حسینی و برادرش شیخ جلال، چریک های فدایی، منافقین، راه کارگر، حزب دمکرات کردستان و... حضور و تردد دارند. فی المثل "بسن" و "ماوت" دو مرکز عمده ضدانقلاب است و تاکنون از همین محور بوده که منافقین با تردد به سمت بانه، تی. ان. تی. وارد تهران کرده اند. در نتیجه هرگونه تحرک نظامی خواه ناخواه تسلط فزون تر قوای نظامی ما را در منطقه موجب خواهد شد و این در آسیب پذیری ضدانقلاب و امکان ضربه زدن به آن نقش تعیین کننده دارد. البته عمده فعالیت ضدانقلاب هم اکنون در جهت حفظ خود است و به جز محدود تحرکات ابتدایی، توان عمده ای برای آنها باقی نمانده است. ولی به هر حال ریشه کنی آنان بایستی انجام شود. (ماخذ قبلی صص ۲۲-۲۱)

بررسی موضوعات مشخص جنگ

نمونه های سری (ج):

نمونه های این قسمت به ترتیب تاریخ از منابع زیر انتخاب شده است:

۱ - حفاظت ، فریب ، غافلگیری از : مجموعه متون تحقیقاتی جنگ - والفجر ۸

۲ - شناسائی از : مجموعه متون تحقیقاتی جنگ - والفجر ۸

۳ - نیروی هوایی از : مجموعه گزارش های تفضیلی جنگ - کربلا ۵ عملیات انجام نشده در فاو

از هر یک از منابع و آثار فوق ، بخش هایی انتخاب شده که به ترتیب درج می گردد .

نمونه شماره (۱) از : حفاظت ، فریب ، غافلگیری از "مجموعه متون تحقیقاتی جنگ والفجر ۸"

تحلیل و برداشت دشمن از محور اصلی عملیات :

عوامل متعددی ذهنیت دشمن را به منطقه هور معطوف داشته و منجر به این تصور شده است که "محور اصلی تک گسترده ایران" آن منطقه است و بنا بر شواهد و قرائن موجود از حساسیت دشمن در منطقه اروند کاسته شده است . این عوامل عبارتند از :

توان و قابلیت های نظامی جمهوری اسلامی :

تحلیل و برداشت دشمن از توان و قابلیت های نظامی ایران و بالطبع تناسب آن با هدف و تاکتیک های اتخاذ شده در طول جنگ به گونه ای بود که آن را فاقد هر گونه سنخیت و تناسب با عبور از رودخانه اروند و حل تمامی معضلات آن از جمله تامین عقبه می دانست . از سوی دیگر ، فقدان تکنولوژی لازم برای این کار نیز منجر به تقویت این ذهنیت در دشمن می شد که منطقه اروند نمی تواند محور اصلی تک گسترده ایران به آن سوی رودخانه باشد . به همین دلیل ذهنیت دشمن نقش موثری در تحقق کامل فریب داشته است . در گزارش اطلاعات عملیات قرارگاه . خاتم آمده :

از مهم ترین دلایل ایجاد اصل غافلگیری در این منطقه ، عدم امکان عبور یک نیروی نظامی از اروند ، به زعم ارتش عراق بود . فرمانده تیپ ... دشمن که به اسارت درآمد ، اذعان داشت که ما اطلاعاتی در مورد فعالیت های شما به رده سپاه می فرستادیم و می گفتیم احتمال حمله ایران از این منطقه می رود ، ولی آنها با اعلام این که عبور یک نیروی نظامی سنگین

و پر حجم از این رودخانه ، آن هم در منطقه فاو تاراس البیشه محال است ، ما را ساکت می کردند . برادر پیش بهار به نقل از یک سرهنگ اسیر عراقی در مورد دیدگاه دشمن نسبت به اقدامات خودی در اروند و احتمال عملیات می گوید :

"من با تغییرات در منطقه اروند ، گفتم ایرانی ها می خواهند اینجا عملیات کنند . به جز مسئول

اطلاعات لشکر که موافق نظر من بود ، فرمانده لشکر ،

فرمانده سپاه ۷ و مسئول اطلاعات سپاه ۷ مخالف بودند ."

در هر صورت ، در نزد دشمن سه دیدگاه نسبت به اقدامات خودی در اروند وجود داشته است :

۱ - نسبت دادن اقدامات خودی در اروند به تعویض فرماندهی منطقه

برادر محسن رضایی در این باره می گوید :

"ما به آنها (افسران اسیر عراقی) ، گفتیم از این همه کار مهندسی ما در اینجا (اروند) چه فکر می کردید؟ می گفتند ما فکر می کردیم که یک نیروی ضعیفی اینجا بوده ، حالا یک نیروی قوی آمده که فرمانده اش هم آدمی قوی است ."

"راوی لشکر امام حسین (ع) - مشاهدات"

(ماخذ یادشده - ص ص ۱۶۳ - ۱۶۲)

نمونه شماره (۲) از : شناسائی از "مجموعه متون

تحقیقاتی جنگ - والفجر ۸"

سابقاً تنها اطلاعات کلی و تئوریک مربوط به جزر و مد بر مبنای نیاز تهیه شده بود . تا آن زمان صرفاً تردد کشتی ها و شناورهای بزرگ مدنظر بود ، برای همین فاقد جزئیات بیشتر بود .

اما آنچه مدنظر برادران اطلاعات قرار گرفت ، عبور نیروهای غواص در عرض و قایق های کوچک از عرض اروند بود ، بنابراین قوانین و مطالب کلی نمی توانست جوابگو باشد . برادران برای دست یابی به جزئیات بیشتر ، تصمیم گرفتند در این زمینه تحقیقاتی عملی صورت دهند .

در این مرحله به میزانی که همچنان در سطح کلیات قرار داشت ، واحدهای اطلاعاتی قرارگاه ها با حضور در کنار نهرها

**پس از والفجر ۱۰، جنگ وارد
مرحله جدیدی شد که با وجود
مدت کوتاه آن، نتایج تعیین کننده‌ای
به بار آورد. در حالی که قوای اصلی نظام
جمهوری اسلامی در جبهه‌های غرب انتظار
حضور ارتش عراق را داشت، تعرض
شدید و گسترده عراق در منطقه فاو به
بسیاری از ابهامات و سئوالات پاسخ گفت.**

نور مهتاب جهت شروع حرکت نیروهای خط شکن .
میزان استفاده از نهرهای خودی در جزر و مد در فواصل
مختلف ماهانه .

قانون دقیق جزر و مد در حاشیه شمالی، وسط و حاشیه
جنوبی اروند و دیگر موارد در مجموع موفق شدند اطلاعات
ریز و جالبی در زمینه قوانین طبیعی که بعضاً به رودخانه اروند
اختصاص داشت، به دست آورند که هیچ یک در قوانین علمی
و مکتوب گنجانده نشده بود .

برادران زمان هایی را کشف کردند که در آن هنگام آب
رودخانه راکد است. با استفاده از آن موقعیت، عبورهای خود
را انجام می دادند، و این موضوع مهمی در مورد زمان عملیات
نیز محسوب می شد .

به اینجا رسیدند که وقتی مد آغاز می شود، ابتدا کنار آب
رودخانه شروع به مد می کند و کم کم به وسط می رسد. متوجه
شدند وقتی آب نهرها راکد می شود، ساحل اروند به عرض ۲۰
الی ۵۰ سانت راکد است. ابتدا فکر می کردند در وسط رودخانه
نیز چنین شرایطی حاکم است، اما آب در وسط اروند، مد
جریان دار بود، یا اگر آب نهرها جزر می شد، آب در ساحل
خودی نیز جزر می گردد که بعد از ۱۵ الی ۳۰ دقیقه از شروع
جزر، آب اروند مد راکد است که در این حالت مناسب ترین
زمان برای عبور غواص ها بود. لذا نیروهای شناسایی بی هیچ
انحرافی به نقطه ای که از پیش تعیین شده بود، در ساحل دشمن
فرود می آمدند. با یافتن جواب هایی مربوط به این که داخل

و ساحل اروند و همچنین اندازه گیری آب در زمان و ساعات
مختلف و مشاهده تغییرات آب به اطلاعات و تجاربی جدید
رسیده، اطلاعات مکتوب گذشته را تقویت و اشتباهاتی جزئی
را در مطالب گذشته تصحیح کردند .

کسب تجربه و کشف قوانین تازه با ورود یگان های
عمل کننده (لشکرها و تیپ ها) سرعت گرفته، وارد مرحله ای
دیگر شد .

یکی از مواردی که در ضرورت و به دنبال آن پی گیری
قوانین جزر و مد بسیار موثر بود، عبور نیروهای غواص از
عرض اروند بود. تا قبل از حضور یگان ها، قرارگاه ها با هدف
کلی شناسایی از خط مقدم، عبور می کردند، برای همین تاثیر
جریان آب بر روی غواص و انحراف آن از اهمیت زیادی
برخوردار نبود، چراکه هر اهدازه منحرف می شوند، در نهایت
به خط دشمن می رسیدند و هدفشان تأمین می گشت. اما این
وضعیت در یگان های عمل کننده و خط شکن فرقی اساسی
داشت. نیروهای شناسایی تنها شناسایی خط برایشان کافی
نبود، بلکه برای عبور نیروهای خط شکن می باید معابری را در
نقاط مناسب شناسایی و آماده کنند، برای همین رسیدن به
نقطه ای مشخص در ساحل دشمن، اصل قرار می گرفت. در
این نوع حرکت کوچک ترین تغییرات آب در حرکت غواص
تاثیر می گذاشت و ممکن بود در شناسایی خلل ایجاد نماید. با
انجام چندین عبور در مراحل اول و جمع بندی انحرافات
غواصان در زمان های مختلف، ناخودآگاه وارد جزئی ترین
قوانین طبیعی شدند و هر چه زمان می گذشت، در کسب
نیازمندی ها پیشرفت های چشمگیر صورت می گرفت .
پیشرفت در مسائل مربوط به جزر و مد از یک طرف و ضرورت
تحقیق بیشتر که منجر به تسریع شناسایی ها، موفقیت در شب
عملیات می شد، برادران را در این زمینه دقیق تر و انان را تشویق
به کار بیشتر کرده بود و در پی آن با در دست داشتن
دستورالعمل زیر به تحقیقات خود ادامه دادند :

قانون دقیق جزر و مد آب در انتها، وسط و ابتدای نهرهای
خودی متصل به اروند، در کل منطقه هماهنگی جزر و مد و

نهرها جزر و مد چگونه صورت می گیرد. آیا این آبی که به بالا یا پایین می رود، شامل رودخانه می شود یا در سطح آب بالا می رود و شاید در زیر آب جریان دیگری وجود دارد. یا قوانین دیگر که به طور کامل در قسمت های دیگر از این سلسله گزارش ها خواهد آمد.

غرض از بیان قوانین و جزئیات فوق، نمایش دقت و تلاش برادران اطلاعات بود که از سوابق علمی چندانی در زمینه های مربوطه برخوردار نبودند و صرفاً بر مبنای تجربیات عملی و ضرورت کار به مطالب فوق رسیدند.

قابل توضیح است که تلاش برادران برای بسیاری از کسانی که با این گونه مسائل رابطه و به نوعی برخورد دارند، تعجب انگیز بود، به عنوان مثال: برادر ... مسئول اطلاعات عملیات قرارگاه - نوح می گوید:

"در جلسه ای با حضور فرماندهان، ملک زادگان فرمانده نیروی دریائی ارتش و عناصر دیگری از این نیرو، متعجب بودند که بچه ها چگونه این نکات دقیق علمی و عملی جزر و مد را به دست آورده اند." (نوار ۲۲ مصاحبه ق. نوح - ۶۵/۷۴)

با گذشت زمان و گسترش مباحث مانور عملیات، ضرورت عکس هوائی که در طول جنگ بارها به عنوان ضعف اطلاعاتی از عقبه دشمن مطرح بود، بیش از پیش احساس شد و با فشار یگان ها و قرارگاه های عملیاتی توسط آقای هاشمی به نیروی هوائی (ارتش) منتقل می گشت.

در این مدت اینطور نبود که اقدامی از طرف نیروی هوائی صورت نگیرد. بلکه آنان نیز دچار مشکلاتی بودند، نیروی هوائی سعی می کرد با توجه به محدودیت های موجود در هواپیما، دوربین و ... در شرایطی ماموریت را انجام دهند که احتمال تلفات را به حداقل برسانند، برای همین با احتیاط عمل می کردند و این ضرورتاً زمان زیادی را طلب می کرد.

در تاریخ ۶۴/۷/۶، به نقل از سرهنگ بابایی گفته می شد که: "تا به حال ۱۰ بار پرواز کردیم برای گرفتن عکس از منطقه فاو، ولی به دلیل وجود هواپیماهای دشمن موفق نشدیم.

هر بار یک فروند اف - ۴، با ۲ فروند اف ۱۴ برای اسکورت

و همچنین یک هواپیمای سوخت رسانی از اصفهان پرواز می کند، به محض این که می خواهد از اصفهان سرازیر شوند روی منطقه، هواپیماهای دشمن حاضر شده، گشت می زند، لذا تا به حال موفق به گرفتن عکس نشدیم."

(معاون واحد اطلاعات نظامی قرارگاه مرکزی سپاه - ۶۴/۷/۶)

از مشکلات عمده آنان حفاظت پرواز بود دشمن با منابع مختلف اطلاعاتی به محض پرواز هواپیماهای جنگنده، به قصد آنان پی برده، با برتری هوایی که دارا بود، مانع آنان می شد. موضوع فوق، برادران دست اندرکار نیروی هوائی را بر آن داشت تا با تدابیر مناسب و مانوری تازه دشمن را فریب دهند تا بتوانند ماموریت خود را انجام دهند.

برادران در این زمینه به طرح هائی رسیدند. آخرین تدابیری که به نتیجه رسید، این بود که هنگامی که هواپیماهای دشمن به قصد بمباران خارک می آیند، نیروی هوایی خودی ۲ فروند جنگنده را برای مقابله با آنان به پرواز درآوردند تا هم آنان را فراری داده هم در تعقیب آنان از منطقه فاو عکس گرفته و قبل از آبادان با تغییر مسیر خود وارد خاک ایران گردند.

(مضمون سخنان سرهنگ بابایی در جلسه مورخه ۶۴/۱۰/۱۸ - نوار ۳۴۷)

به کارگیری تدبیر فوق پس از چند ماه، به برادران اجازه داد تا در تاریخ ۶۴/۱۰/۲۷، ماموریت خود را انجام داده، از منطقه فاو عکس بگیرند.

با افزوده شدن عکس هوایی به دیگر امکانات شناسائی، پاسخ سؤال های بسیاری درباره عقبه دشمن داده شد. عکس فوق که از کیفیت نسبتاً خوبی نیز برخوردار بود، نه تنها برادران اطلاعات را در تکمیل شناسایی های خود (که از طریق دیده بانی به دست آمده بود) یاری داد، بلکه دید طراحان عملیاتی را نیز روشن تر کرد و در طراحی عملیات تسهیلاتی فراهم آورد.

عکس هوائی بسیاری از اطلاعات کسب شده به طریق دیده بانی و دیگر امکانات را تصدیق و برای مسئولین ذیربط

یقین حاصل کرد و در برخی موارد ناقص اطلاعات گذشته بود. (ماخذ قبلی ص ۲۵-۲۴)

نمونه شماره (۳) از : نیروی هوایی "مجموعه گزارش های تفصیلی جنگ - کربلای ۵"

به کارگیری بمب جدید سپاه :

"به منظور خودکفائی در جنگ، سپاه در کنار کارروی انواع موشک ها، در یک سال اخیر اقدام به ساخت نوع جدیدی بمب کرده که با هواپیما حمل می شود، در عملیات کربلای ۵ توسط هواپیماهای نیروی هوایی ارتش به کار گرفته شد. این بمب جدید دارای قدرت انفجاری برابر موشک فراگ و تخریب آن به اندازه بمب... پوندی است. موج انفجاری که در اثر این بمب به وجود می آید، بین ۱ تا ۵ کیلومتر است. در شعاع ۱ تا ۲ کیلومتری مرکزی انفجار، نیروهای پیاده و امواج الکترونیکی از کار خواهند افتاد. پوسته این نوع بمب از... است تنها قسمتی از این نوع بمب که تاکنون نتوانسته ایم بسازیم... آن است که آن را نیز از... تهیه می کنیم. این بمب جدید برای اولین بار در رامهرمز مورد آزمایش قرار گرفته است و نیروی هوایی نحوه به کارگیری و مانور پس از پرتاب آن را با هواپیماهای خود تمرین کرده که جزئیات آن به صورت طبقه بندی حفظ شده است. سپاه روزانه تعداد... بمب از این نوع را تولید می کند که در این عملیات به تعداد مورد نیاز توانسته بود تهیه کند. به لحاظ قدرت بسیار بالا، این بمب در عملیات بسیار موثر واقع شد و پس از آن که دیده بانان توپخانه نقاط تجمع زرهی، نیروها و محل های ترافیک دشمن را شناسایی کردند، این بمب به کار گرفته می شود که بنابر گزارش های رسیده، عملکرد بسیار در خور توجهی داشته، به طوری که موجب تقویت روحیه نیروها نیز شده است. به لحاظ نوع ساخت بمب و قرار داشتن دو بال در دو طرف آن، احتیاج نیست هواپیمای تک کننده تا بالای هدف برود و سپس بمب را پرتاب کند، بلکه در... کیلومتری هدف آن را به حالت پرتاب در هوا نیروز می دهد و بمب به لحاظ شتاب هواپیما این چند کیلومتر را تا هدف طی می کند و جنگنده می تواند در این فرصت زمانی خود را از شعاع موج

انفجار آن دور کند. وزن تقریبی این بمب در حدود... کیلو است. (ماخذ یاد شده ص ۲۰)

روش اجرای تک :

به لحاظ وجود یک سایت سام ۲ فعال دشمن در منطقه و به کارگیری تعداد قابل توجهی موشک سام ۶ در کنار اروند، جنگنده بمب افکن های نیروی هوایی نمی توانستند هنگام اجرای عملیات از سطح زمین ارتفاع زیاد بگیرند. بنابراین در ابتدا، عملیات محدود به نقاط نزدیک خط اول نیروهای خودی بود و در صورت نیاز مبرم، به آنان ماموریت های در عمق نیز داده می شد بنابراین، جنگنده ها در حین انجام ماموریت در ارتفاع بسیار پایین پرواز می کردند که این خود در موثر بودن عملیات اهمیت بسیار داشت و دشمن تا لحظه مورد هجوم قرار گرفتن واحدهایش، نمی توانست از چگونگی اجرای تک هوایی آگاه شود و پدافند کند. گذشته از آن به لحاظ هماهنگی بی سابقه پدافند خودی با نیروی هوایی ارتش، جنگنده ها با راحتی و امنیت بیشتر وارد منطقه می شدند و از سوی پدافند خودی بیم نداشتند. بنابراین در زمانی که قرار بود پروازی صورت گیرد، اگر سپاه یا نیروی هوایی ارتش هدف را مشخص کرده بود، آن نقطه به دیده بانان توپخانه اطلاع داده می شد و از سوی کانال پست به کلیه پدافندها پنج دقیقه آتش بس اعلام می گردید و در این فاصله، هواپیماها وارد منطقه شده، پس از اجرای عملیات به سرعت باز می گشتند و سپس صحت تیر و مقدار تخریب توسط دیده بانان توپخانه سپاه گزارش می شد که در ماموریت آینده بسیار قابل استفاده شود. بنابراین در این بخش دیده بانان صحیح، پدافند هماهنگ، نزدیکی اهداف مورد نظر و شکل و وضعیت زمین چهار عامل موثر بود که در افزایش کارائی عملیات هوایی در کربلای ۵ نقشی حیاتی ایفا کردند و در این عملیات هیچ یک از جنگنده ها هدف پدافند دشمن قرار نگرفتند. اما نقطه ضعف موجود، تغییر پیاپی نوع هدف و نوع بمب به کار گرفته شده، بود. به این ترتیب که به دلیل هواپیما، پس از هر تغییر هدف به ناچار بمب مورد استفاده نیز تغییر می کرد و هواپیمایی که آن را به سیستم، مثلاً بمب...

تجهیز و آماده کرده بودند، برای اینکه اجرای عملیات کند، می‌بایست سیستم بمب‌بری آن تغییر می‌کرد. بنابراین زمان زیادی در این تغییرات گرفته می‌شد و در هر تغییر، ۳ ساعت زمان تلف می‌شد که از کارائی و سرعت عمل نیروی هوائی می‌کاست و به تبع آن خلبان نیز خسته و مجبور می‌شد هر روز با چند شیوه و بمب مختلف کار کند. (ماخذ یاد شده ص ۲۱)

نمونه شماره (۴) از: نیروی هوائی سپاه، "مجموعه گزارش‌های تفصیلی جنگ - عملیات انجام نشده در فاو"

عکسبرداری و شناسائی توسط پرنده‌های هدایت‌پذیر از راه دور:

سومین ماموریت نیروی هوایی سپاه در عملیات (انجام نشده) منطقه فاو، ماموریت عکسبرداری و شناسائی خط عملیاتی دشمن توسط پرنده‌های هدایت‌پذیر از راه دور (پهپاد) بود.

با ابلاغ این ماموریت توسط نیروی زمینی سپاه، کار حدود دو ماه قبل از تاریخ عملیات آغاز گردید. ماموریت اصلی عکسبرداری از کل خط عملیاتی فاو بود که در دو نوبت انجام گرفت، به این صورت که با توجه به محدودیت پرواز پرنده‌های موجود، خط فاو به ۶ قسمت تقسیم شده، هر روز یک قسمت از آن عکسبرداری می‌گردید و طی ۶ روز عملیات عکسبرداری به پایان رسید. مدتی بعد باز این عملیات تکرار شد. به دنبال عکسبرداری از این منطقه، کار چاپ عکس‌های مفید شروع شد و با درخواست اطلاعات نیروی زمینی، عکس‌ها تکثیر می‌گردید.

علاوه بر ماموریت اصلی که به صورت فوق انجام می‌گرفت، جهت جلوگیری از حساسیت دشمن نسبت به منطقه انتخاب شده برای عملیات، ماموریت‌های دیگری به صورت ایذائی و فریب در جزیره مجنون و هور و منطقه کربلا می‌انجام می‌شد. اجرای ماموریت‌های فریب از دو هفته قبل از تاریخ عملیات گسترش بیشتری یافت و به طور مشخصی از جزایر تانهر عنبر را در بر گرفت. در این عملیاتها علاوه بر این که منطقه فاو به عنوان عملیات فریب محسوب می‌

شد، آخرین اطلاعات دشمن هم در این مناطق با عکس‌های گرفته شده به دست می‌آمد.

برای انجام ماموریت‌های فوق ۳ تیم شناسائی و یک تیم هدف به کار گرفته شد. تیم هدف بدون عکسبرداری کار فریب را انجام می‌داد، یعنی در مناطق عملیاتی پروازهای ایذائی می‌کرد و ۳ تیم شناسائی در ۳ محور، تقریباً به طور دائم مشغول پرواز و عکسبرداری بودند. پیش از لغو عملیات (انجام نشده) فاو، تلاش‌های شناسایی به دو محور تقلیل یافت و بعد از منتفی شدن آن، یک تیم دیگر در منطقه عمومی بیت المقدس ۲ در غرب، مستقر شدند.

... مشکلات و کمبودهای اساسی تیم‌های "پهپاد" در انجام ماموریت خود، کمبود امکانات تخصصی است. از جمله اقلام عکاسی نظیر دوربین و کاغذ چاپ عکس در ابعاد بزرگ و نیز وسایل تعمیراتی پرنده‌ها است که از مدت‌ها قبل درخواست شده و هنوز تامین نشده است. به عنوان مثال از ۹ ماه پیش دوربین‌های مورد نیاز و دیگر اقلام مصرفی عکاسی درخواست شده که باید از خارج تهیه شود، ولی تاکنون اقدام نگرديده است.

کمبودهای فوق مشکلات بزرگ تری را به دنبال دارد، از این جهت که چون دشمن فهمیده آخرین اطلاعات زنده از خطوطش توسط عکس‌های پهپاد به دست می‌آید، لذا ظاهر شدن این پرنده در هر منطقه زنگ خطری برای دشمن محسوب می‌شود و از آنجا که به علت کمبود امکانات، ماموریت تیم‌های پهپاد به چند منطقه محدود شده، دشمن نسبت به حساسیت‌های خودی هوشیار می‌گردد.

در صورتی که امکانات کافی برای فعالیت تیم‌های پهپاد در سراسر خطوط عملیاتی میسر بود، ظاهر شدن این پرنده نمی‌توانست سبب هوشیاری دشمن در مناطق عملیاتی شود. (ماخذ یاد شده ص ۳۵-۳۳)

آمار و اطلاعات دسته‌بندی شده:

نمونه‌های سری (د):

نمونه‌های این قسمت به ترتیب تاریخ از منابع زیر انتخاب

شده است :

استعداد ارتش بعث قبل از انقلاب اسلامی :

۱- عملیات بدر

۲- مسائلی پیرامون جنگ و آینده آن

۳- نگاهی به جنگ در منطقه مهران و عملیات کربلا (۱) از

سلسله گزارش های اجمالی جنگ

از منابع فوق ، بخش هایی در نظر گرفته شده که به ترتیب

درج می گردد .

نمونه شماره (۱) از: عملیات بدر

اسامی فرماندهان ارشد سپاه در رده تیپ و لشکر که در

جنگ بدر شهید ، مجروح و معلول شده اند :

۱- فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا مهدی باکری شهید

۲- فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) حاج

عباس کریمی "

۳- فرمانده تیپ ۱۸ الغدیر حاج ابراهیم جعفرزاده "

۴- معاون لشکر ۵ نصر رضا چراغچی "

۵- معاون تیپ ۳۳ المهدی حاج مجید ستود "

۶- استاد آموزشگاه فرماندهی تیپ و علی تجلائی "

لشکر سپاه

۷- رئیس ستاد لشکر علی بن ابیطالب حاج صادقی "

۸- مسئولی اطلاعات قرارگاه نجف حسین امامی "

۹- معاون دوم تیپ ۱۵ امام حسن (ع) حسن درویشی "

۱۰- فرمانده تیپ ۲۱ امام رضا (ع) اسماعیل قانعی مجروح

۱۱- فرمانده تیپ ۳۳ المهدی جعفری اسدی "

۱۲- فرمانده تیپ ویژه شهدا محمود کاوه "

۱۳- معاون تیپ ۱۵ امام حسن (ع) شمایللی "

۱۴- مسئولی طرح و عملیات قرارگاه حسن دانائی "

خاتم الانبیا (ص)

۱۵- فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم علی زاهدی "

۱۶- معاون دوم لشکر ۵ نصر حاجی برونسی شهید (ماخذ

یاد شده ص ۷)

نمونه شماره (۲) از: مسائلی پیرامون جنگ و آینده آن

نیروی زمینی ۱۷۵۰۰۰ نفر

نیروی هوایی و پدافند هوایی ۲۲۰۰۰ نفر

نیروی دریایی ۶۰۰۰ نفر

پلیس و گارد مرزی ۵۳۰۰۰ نفر

چریک مسلح ۶۰۰۰ نفر

نیروهای فوق در قالب ۳ سپاه (۱، ۲، ۳) شامل ۴ لشکر پیاده،

۳ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه به اضافه ۱۲ تیپ مستقل

سازمان یافته بود .

از نظر امکانات در این شرایط ارتش بعث دارای ۲۱۶۰

دستگاه تانک ، ۲۶۷۰ دستگاه نفربر ، ۹۲۰ عراده توپ صحرایی و

۶۰۰ قبضه سلاح پدافند هوایی بوده است .

به دنبال تصمیم دشمن به اجرای حمله به ایران ظرف

مدت کوتاهی استعداد فوق به شرح زیر افزایش یافت :

نیروی زمینی ۱۹۵ تا ۲۲۰ هزار نفر

نیروی هوایی و پدافند ۲۵ هزار نفر

نیروی دریایی ۷ هزار نفر

پلیس و گارد مرزی ۴۲ هزار نفر

دشمن که قبل از جنگ تلاش خود را متوجه گسترش رزمی

کرده بود ، به ایجاد تغییرات زیر موفق شد :

تاسیس لشکر ۱۲ زرهی

تاسیس لشکر ۱۱ پیاده با برداشت ۳ تیپ از نیروی پلیس

افزایش ۱۲ تیپ مستقل به ۱۵ تیپ با حضور متولدین ۱۹۴۹

تا ۱۹۵۷

پس از گذشت ۵ سال از جنگ با آن که دشمن متحمل

تلفات و خسارات سنگینی شده است ولی چون تمامی

امکانات کشور عراق در خدمت جنگ قرار گرفته (شخص

صدام فرمانده سیاسی و فرمانده نظامی عراق است) علاوه بر

یگان هایی که قبلاً ذکر شد ، موفق شده ۱۹ لشکر دیگر با استفاده

از نیروهای احتیاط و نیروهای مرزی تاسیس کند . این لشکرها

عبارتند از : (لشکر ۱۳ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ،

۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۵)

علاوه بر آن چندین تیپ مستقل از نیروهای جیش الشعبی نیز به یگان‌های رزمی عراق افزوده شده است. در مجموع می‌توان وضعیت فعلی نیروهای دشمن را به شرح زیر ارائه نمود:

نیروهای زرهی و مکانیزه:

۵ لشکر زرهی (۳ و ۶ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۷)

۳ تیپ مستقل زرهی (۱۰ و ۱ و ۲ گارد جمهوری)

۲ لشکر مکانیزه (۱ و ۵)

۲ تیپ مستقل مکانیزه (۱ و ۴)

نیروهای زرهی و مکانیزه ارتش عراق به ۱۲۰ گردان بالغ می‌شود که استعداد هر کدام بین ۴۵ تا ۵۰ تانک و نفربر و در مجموع ۵۴۰۰ تا ۶۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر به طور سازمانی در اختیار ارتش عراق است.

نیروی پیاده:

در حال حاضر ارتش عراق ۲۰ لشکر پیاده و ۷۰ تیپ مستقل پیاده و ۱۰ تیپ مستقل نیروی مخصوص و کماندویی دارد و مجموع نیروهای پیاده این ارتش به حدود ۵۵۰ گردان می‌رسد.

توپخانه:

ارتش عراق ۱۲۰ گردان توپخانه شامل توپ‌های ۱۸۰، ۱۵۵، ۱۵۲، ۱۳۰، ۱۲۲، ۱۰۵ میلیمتری و کاتیوشا دارد که تماماً ۱۸ قبضه‌ای هستند، در مجموع حدود ۲۸۶۰ قبضه توپ بدون کمبود مهمات، که امکان اجرای آتش در سطح فوق‌العاده بالایی را برای این ارتش ایجاد کرده است.

نیروی هوایی:

عراق بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ فروند جنگنده شکاری در اختیار دارد، از جمله هواپیماهایی از نوع میگ ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۵، سوخوی ۷ و ۲۲، میراژ اف یک و ... به اینها بایستی حدود ۵۰ فروند هواپیمای ملخی پی‌سی را افزود. لازم به یادآوری است که توان نیروی هوایی عراق همانند نیروی زمینی آن در طول جنگ بالا رفته است. در شش ماهه اول جنگ، حدود ۷۵۰۰ سورتی پرواز داشته، ولی در نیمه دوم سال ۶۰ این تعداد به ۱۵۰۰۰ می‌رسد. این رقم در سال‌های ۶۱ و ۶۲ رشد نداشته، ولی

در نیمه دوم سال ۶۳ به ۲۶۰۰۰ رسیده و در سال ۶۴ (تا حدود آذر ماه)، توانست ۳۰۰۰ سورتی پرواز انجام دهد. در یک نگاه و به طور مقایسه‌ای و در سه مقطع زمانی استعداد نیرو و امکانات دشمن به شرح زیر است:

قبل از انقلاب قبل از شروع جنگ زمان حاضر (چند ماه

قبل از والفجر ۸)

نیروی زمینی ۱۷۵ هزار نفر ۱۹۵ تا ۲۲۰ هزار نفر ۹۶۰

هزار نفر

نیروی هوایی و پدافند ۲۲ هزار نفر ۲۵ هزار نفر ۳۵ هزار

نفر

نیروی دریایی ۶ هزار نفر ۷ هزار نفر ۱۰ هزار نفر

تانک و نفربر زرهی ۴۸۳۰ دستگاه ۶ الی ۷ هزار دستگاه

توپ صحرایی ۹۱۴ قبضه - ۲۵۰۰ قبضه

پدافند هوایی ۵۹۵ قبضه ۲۰۰۰ قبضه

و ...

در نتیجه تقویت امکانات و گسترش سازمان رزم، دشمن موفق شده است توانایی‌های زیر را به دست آورد:

دشمن توانایی جابه‌جایی ۳ لشکر نیرومند پیاده را در هر

زمان و در هر نقطه‌ای دارد.

- دشمن در ۴ تا ۵ روز توانایی جابه‌جایی سریع ۵ لشکر

زرهی و مکانیزه را دارد.

- دشمن در هر زمان می‌تواند ۴ تیپ نیروی مخصوص و ۲۰

تیپ پیاده را برای مقابله در هر نقطه مرزی آزاد کند.

- دشمن توانایی جابه‌جایی یک تیپ پیاده را در عرض ۲۴

ساعت مثلاً از عماره به پنجوین دارد.

دشمن توانایی جابه‌جایی یک تیپ زرهی را در عرض ۷۲

ساعت از جبهه‌های شمال و جنوب دارد و از عماره به بصره

برای انتقال این تیپ به ۱۲ ساعت زمان نیازمند است.

دشمن در هر زمان توانایی آزادسازی ۴۰ گردان توپخانه را

دارد که از خط جمع کرده و در یک نقطه تمرکز دهد.

دشمن توانایی عکس‌برداری هوایی را در هر روز دارد.

دشمن توانایی یک ماه بمباران و فشار هوایی به اندازه

گسترده‌گی عملیات بدر را دارد .

دشمن توانایی شناسائی ما در هر شرایطی را حداقل به میزان ۶۰ درصد دارد .

دشمن مساله روحیه سربازانش را با سیستمی از تشویق و تنبیه حل کرده است .

از طرف دیگر : دشمن توانایی مقابله با دو عملیات وسیع را به طور همزمان ندارد .

دشمن توانایی شناسائی ما در نقاط مختلف، یعنی اگر در ۳ یا ۴ منطقه مشغول باشیم، ندارد .

دشمن از نظر روحیه تحمل عملیات‌های محدود، ولی مستمر را نداشته، و از طرفی نیز برای آن نیروی کیفی مصرف نمی‌کند . (ماخذ یاد شده ص ۱۰-۸)

نمونه شماره (۳) از : نگاهی به جنگ در منطقه مهران و عملیات کربلا (۱)

"سلسله گزارش‌های اجمالی جنگ"

نتایج عملیات کربلا (۱):

روز جنگ و مقاومت در مهران منجر به آزادسازی جاده دهلران - مهران - ایلام، شهر مهران و بیش از ۸ روستای آن، ارتفاعات حساس و سرکوب قلاویزان و حمرین خصوصاً بلندترین قله منطقه (۲۲۳) و ۲ پاسگاه مرزی گردید . همچنین عقبه‌های دشمن از جمله شهرهای بدره و زرباطیه در تیررس نیروهای اسلام قرار گرفت . آمار تلفات و ضایعات خودی و دشمن و دیگر آمارها و نتایج آن در ادامه می‌آید .

جدول (۱): شهداء و مجروحین یگان‌های خودی (سپاه پاسداران) (در صفحه ۱۵۴)

در مجموع حدود ۷۰۰ شهید و ۴۵۰۰ مجروح بوده است که به شرح جدول فوق تا روز ۶۵/۴/۱۶ تفکیک گردیده است . از این رو آمار تفکیکی هر یک از یگان‌ها طبیعتاً بیشتر از مندرجات جدول فوق است . (در گزارش‌های تفصیلی‌اتی مشروحاً خواهد آمد .)

جدول (۲): یگان‌های درگیر دشمن در طول عملیات، میزان انهدام و تعداد اسرای آنها (در صفحه ۱۵۴):

لازم به یادآوری است که کلیه یگان‌هایی که بیش از ۷۰ درصد منهدم شده‌اند را از خط مقدم خارج کرده‌اند .

جدول (۳) تعداد اسرای دشمن در عملیات کربلا (۱) به تفکیک رتبه :

سرباز درجه دار افسر رتبه

۷۰۱۳۰۸۹۲ تعداد

توضیح : مطابق تخمین‌های دقیق، دشمن بیش از ۳۴۰۰ اسیر و مفقود داشته است، در حالیکه نیروهای خودی حداکثر ۱۰ اسیر و مفقود داشتند .

جدول (۴): مقایسه توان رزمی نیروهای خودی و دشمن در عملیات کربلا (۱)

دشمن خودی نیرو و امکانات گرفته شده

۷۰۰۰۰ نفر ۴۰۰۰۰ نفر نیرو

۴۰۰ دستگاه ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر

۱۵ گردان ۹ گردان توپخانه

بیش از ۱۰۰ سورتی در روز حداکثر ۱۰ سورتی در روز نیروی هوایی

بیش از ۱۰ تیم ۲ تیم هوانیروز

عماره ۸۰ کیلومتر باختران ۳۰۰ کیلومتر عقبه

(ماخذ ذکر شده ص ۴۴-۴۲)

ضمیمه :

جدول کلی جمع‌بندی و ارزیابی عملکرد یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات کربلا (۱)

۱- لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع)

تاریخ ابلاغ ماموریت ۶۵/۳/۱۰

ماموریت تصرف قسمتی از ارتفاعات قلاویزان

مدت زمان آمادگی ۳۰ روز

مدت زمان نبرد ۶ ساعت

استعداد و توان به کار گرفته شده ۳ گردان نیروی پیاده، ۱ گروهان زرهی و ۱ گردان ادوات

نکات بارز عملیات دور زدن ارتفاعات و بستن پشت دشمن از ناحیه‌ای دور از انتظار آن و ایجاد غافلگیری مطلق در

<p>مدت زمان نبرد ۴ شبانه روز</p> <p>استعداد و توان به کار گرفته شده ۹ گردان نیروی پیاده به اضافه ۱ گردان ادوات</p> <p>نکات بارز عملیات داشتن مانور احاطه ای - کمک به یگان های هم جوار -</p> <p>محاصره دشمن در چند نقطه - سرعت در انجام عملیات -</p> <p>تداوم عملیات در روز</p> <p>عملکرد انجام ماموریت محوله و شرکت در تصرف ارتفاعات</p> <p>حمزین و قلاویزان</p> <p>شهدای کادر فرمانده گردان ۱ نفر، مسئول واحد اطلاعات، معاون ستاد</p> <p>مجروحین کادر مسئول ستاد، فرمانده گردان ۳ نفر</p> <p>قسمتی از غنایم عملیات ۲ دستگاه تانک، بیش از ۱۰ خودرو، ۱ دستگاه کانال - کن، تعدادی موشک ضدتانک، مقادیری سلاح سبک و وسایل پیشرفته مخابراتی</p> <p>۴ لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)</p> <p>تاریخ ابلاغ ماموریت ۶۵/۳/۲۰</p> <p>ماموریت پاکسازی منطقه شمال ارتفاعات قلاویزان و تأمین روستاهای امام زاده حسن و بهین بهروزان</p> <p>مدت زمان آمادگی ۲۰ روز</p> <p>مدت زمان نبرد ۱۰ شبانه روز</p> <p>استعداد و توان به کار گرفته شده ۹ گردان پیاده، ۱ گردان زرهی و ۱ تیپ ادوات</p> <p>نکات بارز عملیات کندی حرکت در جریان عملیات، مقابله با نیروی زرهی دشمن، گرفتن جناح از دشمن در ارتفاعات قلاویزان</p> <p>عملکرد انجام ماموریت محوله و تصرف قسمت هائی از ارتفاعات قلاویزان و تثبیت عملیات در جنوب مهران</p> <p>شهدای کادر قائم مقام لشکر، مسئول واحد ۱ نفر، فرمانده</p>	<p>شکستن خط</p> <p>عملکرد انجام ماموریت محوله و تامین قسمتی از اهداف لشکر ۲۵ کربلا</p> <p>شهدای کادر فرمانده گردان ۱ نفر، معاون گردان ۱ نفر، معاون واحد ۱ نفر</p> <p>مجروحین کادر فرمانده لشکر، مسئول اطلاعات، مسئول و معاون ادوات</p> <p>قسمتی از غنایم عملیات ۱ دستگاه خودرو، ۵ قبضه ضد هوایی، تعدادی خمپاره و سلاح های سبک</p> <p>۲- لشکر ۲۵ کربلا</p> <p>تاریخ ابلاغ ماموریت ۶۵/۳/۲۰</p> <p>ماموریت تصرف قسمتی از ارتفاعات قلاویزان و تامین ارتفاعات حمزین</p> <p>مدت زمان آمادگی ۲۰ روز</p> <p>مدت زمان نبرد ۵ شبانه روز</p> <p>استعداد و توان به کار گرفته شده ۶ گردان پیاده - ۱ گردان زرهی - ۱ گردان ادوات و ۱ گروهان مکانیزه</p> <p>نکات بارز عملیات ابتکار شکستن خط و عبور از پیچیده ترین موانع و استحکامات موجود در منطقه - سرعت در انجام عملیات - تداوم جنگ در روز</p> <p>عملکرد انجام ماموریت های محوله و تامین قسمتی از ارتفاعات قلاویزان</p> <p>شهدای کادر فرمانده گردان ۱ نفر، مسئول تخریب، معاون توپخانه، مسئول اطلاعات عملیات</p> <p>مجروحین کادر معاون لشکر، مسئول محور، مسئول مهندسی، مسئول زرهی فرمانده گروهان ۶ نفر</p> <p>قسمتی از غنایم عملیات ۵ دستگاه تانک - ۶ دستگاه نفربر - ۱۲ قبضه ضد هوایی، ۵ دستگاه لودر و بلدوزر</p> <p>۳. لشکر ۴۱ ثارالله</p> <p>تاریخ ابلاغ ماموریت ۶۵/۲/۱۰</p> <p>ماموریت تصرف قسمتی از یال های قلاویزان</p> <p>مدت زمان آمادگی ۳۰ روز</p>
--	--

گردان ۱ نفر

مجروحین کادر مسئول ادوات ، مسئول اطلاعات عملیات ، فرمانده گردان ۲ نفر ، معاون زرهی ، معاون طرح عملیات قسمتی از غنایم عملیات ۲۲ دستگاه تانک و نفربر - تعدادی ضد هوایی - مقادیری سلاح سبک و وسایل مخابراتی پیشرفته

۵- لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع)

تاریخ ابلاغ ماموریت ۶۵/۳/۲۵

ماموریت تأمین قسمتی از جاده دهلران - مهران در مرحله اول و همچنین داشتن آمادگی برای ادامه عملیات (بنا به دستور)

مدت زمان آمادگی ۱۵ روز

مدت زمان نبرد ۷ شبانه روز

استعداد و توان به کار گرفته شده ۳ گردان پیاده - ۱ گروهان زرهی ۱ گردان ادوات

نکات بارز عملیات جنگ در روز و مقابله با زرهی دشمن در دشت مهران

- انعطاف و شرکت در مناطق و محورهای مختلف -

نشان دادن برتری در جنگ کوهستان در مقابله با نیروهای

گارد جمهوری - انجام مانورهای احاطه ای در ارتفاعات

عملکرد انجام ماموریت محوله در مرحله اول - انهدام

نیروهای دشمن در محورهای شمالی - مهران - تصرف

قله مهم ۲۲۳ از ارتفاعات قلاویزان و تثبیت عملیات در این

محور

شهادت کادر فرمانده گردان ۱ نفر ، مسئول

بهداری مجروحین کادر مسئول محور

قسمتی از غنایم عملیات ۲۸ دستگاه خودرو ، ۸ دستگاه

تانک - ۲ دستگاه

وسایل مهندسی - ۱۷ قبضه ضد هوایی - مقادیری سلاح

سبک و وسایل مخابراتی پیشرفته

۶- تیپ ۲۱ امام رضا (ع)

تاریخ ابلاغ ماموریت ۶۵/۳/۱۰

ماموریت تصرف و پاکسازی هرمز آباد و حفظ آمادگی برای ادامه عملیات

مدت زمان آمادگی ۲۰ روز

مدت زمان نبرد ۷۲ ساعت

استعداد و توان به کار گرفته شده ۴ گردان پیاده ، ۱ گردان ادوات

نکات بارز عملیات شکستن مقاومت دشمن در هرمز آباد - جنگ با تانک های دشمن در شمال این روستا - انجام مانور

احاطه ای روی شهر - تداوم جنگ در روز عملکرد انجام ماموریت محوله در مرحله اول - تصرف و پاکسازی شهر

مهران و روستاهای فرخ آباد و رستم آباد - احداث خاکریز از فرخ آباد تا فیروز آباد

قسمتی از غنایم عملیات تانک و نفربر ۲۰ دستگاه - ایفا ۱۵

دستگاه - توپ ۱۰۶ با ماشین ۲۷ دستگاه - چند قبضه خمپاره انداز

۷- تیپ ۱۵ امام حسن (ع)

تاریخ ابلاغ ماموریت ۶۵/۴/۱

ماموریت احتیاط در محور شمالی عملیات

مدت زمان آمادگی ۹ روز

مدت زمان نبرد ۴۸ ساعت

استعداد و توان به کار گرفته شده ۲ گردان پیاده - ۱ گردان ادوات

۸- لشکر ۵ نصر

تاریخ ابلاغ ماموریت ۶۵/۳/۱۰

ماموریت تصرف و پاکسازی شهر مهران

مدت زمان آمادگی ۳۰ روز

مدت زمان نبرد ۴ شبانه روز

استعداد و توان به کار گرفته شده ۴ گردان پیاده - ۱ گردان ادوات ۱ گروهان زرهی

نکات بارز عملیات انعطاف و آمادگی پذیرش تغییر ماموریت - جنگ در روز - سرعت در انجام عملیات

عملکرد شرکت در مرحله دوم عملیات (روز دوم) - کمک به تصرف ارتفاعات قلاویزان - تلاش جهت تصرف قله ۲۲۳ شهدای کادر مسئول اطلاعات - عملیات ، مسئول حفاظت ، مسئول محور قسمتی از غنایم عملیات ۵ دستگاه تانک و نفربر - چند دستگاه خودرو و وسایل پیشرفته مخابراتی ۹. تیپ ۶۶۲ بیت المقدس تاریخ ابلاغ ماموریت ۶۵/۴/۱ ماموریت احتیاط در محور شمالی عملیات و قرار گرفتن تحت امر تیپ ۲۱ امام رضا (ع) مدت زمان آمادگی ۹ روز مدت زمان نبرد ۲۴ ساعت استعداد و توان به کار گرفته شده ۲ گردان پیاده - ۱ گردان ادوات توجیه

نمونه های سری (ه):

نمونه این قسمت ، به ترتیب تاریخ از آثار زیر انتخاب شده است :

۱- مسائلی پیرامون جنگ و آینده آن (مورخه فروردین ۱۳۶۵)

۲- گزارشی از : مقاطع پایانی ۸ سال جنگ (مورخه شهریور ۱۳۶۹)

از منابع فوق ، بخش هایی انتخاب شده که به ترتیب زیر درج می گردد .

نمونه شماره (۱) از : مسائلی پیرامون جنگ و آینده آن (فروردین ۱۳۶۵)

دشمن می کوشد با تکیه بر بمباران های هوایی روزافزون و نیز قدرت آتش فزاینده با بهره گیری از بمباران شیمیایی وسیع و آلوده نمودن هر چه بیشتر منطقه (فاو) روز به روز توان رزمی رزمندگان اسلام را تحلیل ببرد . (خوشبختانه به علت آمادگی رزمندگان اسلام آمار شهدای بمباران های شیمیایی به حداقل کاهش یافته ، ولی در هر صورت آلودگی رزمندگان به مواد شیمیایی ما را مجبور می کند بسیاری از آنان را به خارج منطقه

عملیاتی برده و پس از شستشو و تعویض کلیه البسه و لوازم ، دوباره به منطقه بازگردانیم) ضمناً پاتک های متعدد و تقریباً همه روزه دشمنان اسلام با وجود نابودی بسیار وسیع دشمن ، فشار زیادی بر رزمندگانی که بعضی از آنها ۵۰ روز در آن شرایط سخت جنگیده اند ، وارد می آورد .

لازم به توضیح است که دشمن ۱۰۰۰ بمب شیمیایی و ۱۰۰۰۰ گلوله توپ شیمیایی تا به حال در منطقه عملیاتی (فاو) (منطقه تصرفی و عقبه) به کار برده است و با توجه به این که هر بمب ۵۰ لیتر مواد شیمیایی و هر گلوله ۳ لیتر مواد شیمیایی دارد ، تا به حال ۸۰۰۰۰ لیتر مواد شیمیایی روز منطقه ای به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع (منطقه تصرفی غرب اروند و منطقه عقبه در شرق اروند) ریخته است و مجموع بمب و توپ شیمیایی دشمن قادر بوده ۱۹۰۰ کیلومتر مربع را آلوده کند ، که به طور نسبی تمام منطقه عملیات ، قریب ۲ بار به طور کامل آلوده شده است و حدود ۲۰ هزار نفر شیمیایی شده اند . (ماخذ یاد شده ص ۷)

همان طور که گفته شد ، از آغاز طرح ریزی عملیات منطقه فاو ، تجزیه نیروی دشمن یکی از ابعاد اصلی طرح بوده است ، انجام عملیات شلمچه (خاتم ۲) ، در والفجر ۸ و والفجر ۹ به این علت بود که دشمن نتواند در یک نقطه خاص با تمامی امکانات و تجهیزات و نیروی خود با ما مواجه شود . ولی به دلایل یاد شده امروز با گذشت ۵۰ روز از عملیات ، دشمن همچنان در این منطقه حمله می کند .

از طرفی این نکته نیز مطرح است که از نظر نظامی ، شرایط کنونی دشمن طوری است که اگر بتوانیم با تمام توان و امکانات ، نبرد را در جبهه های مختلف ، هم زمان تداوم بخشیم و از فرصت به دست آمده حداکثر استفاده کرده ، به او مجال بازسازی ندهیم ، بسیاری از کارهایی را که ممکن است ، در طول سالها انجام دهیم ، در عرض چند ماه انجام خواهیم داد . توجه به این مسأله که رهنمودهای امام امت در روز میلاد حضرت علی (ع) (تاکید ایشان بر اعزام تمام نیروها به جبهه و بهره گیری در پشت جبهه کسانی که نمی توانند به جبهه

بروند)، برای مارو شنی بخش بود همان گونه که نماینده امام در شورای عالی دفاع، برادر محترم حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه رادیو تلویزیونی گفتند، یقیناً این سخنان و تاکیدات امام مبتنی بر ضرورت هایی است که حضرت امام شخصاً تشخیص داده اند و همان گونه که تجربیات گذشته نشان داده، باید این تاکیدات را با دقت هر چه بیشتر عملی نمود.

در شرایط کنونی که دشمن بعثی بیشترین خسارات را از نظر نیرو و تجهیزات متحمل گردیده و به طور کلی سازمان رزمی او مختل شده است، بهترین موقع جهت ضربه زدن هر چه بیشتر و نابودی صدام و حزب عفلقی را خداوند متعال نصیب ما نموده، به حول و قوه الهی رزمندگان اسلام برای تجزیه نیروی دشمن و بهره گیری از ضعف های کنونی صدامیان، طرح های آماده ای دارند که در گرو همکاری همه جانبه، کلیه مسئولین است.

باید اذعان کنیم برخلاف دشمن که با تمام امکانات و با تمام تجهیزاتی که شرق و غرب در اختیارش قرار داده، با ما می جنگد، ما با تمام توان و امکانات مان به جنگ خصم کافر نرفته ایم. در این مملکت ما توان های بسیاری برای سازماندهی هر چه بیشتر مردم و آموزش نظامی و تخصصی آنان در اختیار داشته ایم که متأسفانه به کار نگرفته ایم، در کشور ما کارخانجات و دستگاه های بسیار پیچیده و عظیم و نیروهای متخصص بسیار قوی و متعهد وجود دارد که با به کارگیری آنها قادریم نیازهای جنگ افزارسازی و مهمات سازی را برآورده نماییم.

چرخ جنگ ما همواره به کندی جلو رفته، به همین علت پیشرفتی را که ما می توانستیم در یک ماه داشته باشیم، در چند سال نداشته ایم. حقیقت این است که به غیر از محیط های حزب اللهی، جو جامعه های شهری ما غافل از تحرک و پویائی یک جامعه در حال جنگ است، تاکید بسیار امام در مورد اصلی بودن جنگ در شهرها و ارگان های دولتی و ادارات و کارخانجات ما کمتر به چشم می خورد،

بیم می رود سخنان هشدار دهنده امام در روز تولد حضرت علی (ع) پس از مدتی عادی جلوه نموده، شهرهای ما فقط به اعزام نیرو برای مدتی بسنده کنند و آن گونه که در خور بیانات امام است، در تمامی زمینه ها بسیج نشوند.

امریکا (و مزدورانش) تاکنون به علت کندی چرخ جنگ ما توانسته بر ترس هایش از انقلاب اسلامی فائق آید و حتی گاهی اوقات تعجب کرده که چرا از دریای بیکران امکانات در جمهوری اسلامی استفاده واقعی نمی شود. اگر این کندی ها به خاطر این بوده که شاید دنیا سر عقل بیاید و دست از حمایت صدام بردارد، می بینیم که امروز پس از شکست صدام بر تائید بیشتر او مصمم گشته است، زیرا دنیا بهتر از هر کس می داند که قبول شکست صدام در شرایط کنونی تائید پیروزی بدون دردسر اسلام است. یقین بدانیم دنیا زمانی مقابل ما تسلیم خواهد شد که در عمل مشاهده کند که ما واقعاً ارتش بیست میلیونی را سازماندهی نمود و تمامی امکانات جمهوری اسلامی را در خدمت ریشه کن نمودن صدام در حزب بعث قرار داده ایم و در عمل قادر هستیم بصره و بغداد و کربلا را فتح نماییم.

دنیا زمانی تسلیم ما خواهد شد که تصمیم بر جنگیدن را در تمامی جوامع شهری، ادارات و کارخانجات و آزمایشگاه های دانشگاه های ما احساس نماید.

ما باید جنگ را سر سفره هایمان احساس کنیم و این رهنمود مکرر امام را به کار بیاوریم که:

"جنگ در رأس امور است."

و روی این حرف امام عملاً پافشاری کنیم که:

"ما حرفمان از روز اول جنگ فرق نکرده، نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد."

تحقق این مقصد در گرو کوشش هر چه بیشتر، سازماندهی و به کارگرفتن تمامی امکانات فنی و صنعتی ما در خدمت رزمندگان است. در زمینه رفع مشکلات گفته شده و در پیگیری رهنمودهای امام طبیعتاً کلیه مسئولان، برنامه ریزان و سیاست گزاران جنبه های مختلف فرهنگی، اقتصادی،

اجتماعی، سیاسی و نظامی کشور دخیل هستند، ولی آنچه در این سمینار مطرح است، موارد زیر می باشد:

مابا توکل به عنایات الهی دست نیاز را در وحله اول به سوی امام عزیز دراز کردیم و اکنون نیز با توجه به تاکیدات ایشان این نیازمندی های اساسی فرزندان رزمنده شما را به اطلاع می رسانیم، امید است شرکت کنندگان محترم در این جلسه مساعدت لازم را جهت تحقق آنها مبذول داشته، از ارشادات و پیشنهادات اصلاحی دریغ نورزند.

یک بار دیگر جهت تاکید معروض می داریم که مسأله زمان عامل اساسی در چگونگی اجرای پیشنهادات است و هرگونه تعلل در وقت، به فرض برآورده شدن نیازها، اثر حیاتی هر یک از موارد را از بین خواهد برد. (ماخذ قبلی ص ۱۲-۱۱) نمونه شماره (۲) از: گزارشی از مقاطع پایانی ۸ سال جنگ* (شهریور ماه ۱۳۶۹)

سال های پایانی جنگ تحمیلی را در یک نوع تقسیم بندی می توان به دو مرحله و کاملاً متفاوت تقسیم کرد که در اولی نیروهای خودی با برتری چشمگیر اما نه مطلق و تعیین کننده بلکه نسبی و تا حدی که ابتکار عمل و تعیین فلش های عملیاتی با ما باشد، پی در پی پیروزی هایی به دست می آورند و در دومی برعکس برتری و ابتکار عمل به دست دشمن می افتد، آن هم در حدی که طی مدت کوتاهی از لاک دفاعی خارج شده، چهره تهدید کننده ای به خود می گیرد بررسی و تحلیل این دوران می تواند روشنگر بسیاری از نقاط کور و مبهم جنگ ۸ ساله باشد. از این رو نسبت به دیگر دوره های جنگ واجد اهمیت بیش تری است. اولین مرحله با پیروزی والفجر ۸ در سال ۶۴ که منجر به تصرف شبه جزیره فاو گردید، آغاز شد، با عملیات های موفق محدود و گسترده در جبهه های جنوب و غرب کشور ادامه یافت و در والفجر ۱۰ با تصرف حلبچه در آخر سال ۶۶ به اوج خود رسید. اما با وجود نتایج به دست آمده، تهاجم گسترده عراق به فاو و تصرف آن، این روند را از هم گسیخت و با تداوم تهاجم در محورهای حساسی چون شلمچه، مجنون و ... صحنه جنگ تغییر یافت و نهایتاً با روشن شدن

عقب ماندگی های اساسی نیروهای خودی و به دلایلی که تفصیل آن مقامی دیگر می طلبد، به پذیرش قطعنامه از سوی جمهوری اسلامی و آتش بس منجر شد. بررسی این دو مقطع مستلزم نگاهی اجمالی به روند جنگ است که به جز مباحث مربوط به زمینه سازی، در آن پنج مقطع مشخص که هر کدام ویژگی خاصی را داشته، مشاهده می شود.

مقطع اول: اشغال بخشی از میهن اسلامی

مقطع دوم: آزادسازی سرزمین های اشغالی

مقطع سوم: تداوم جنگ در خاک دشمن - ابتکار عمل و برتری نسبی (جزئی) خودی از رمضان تا بدر

مقطع چهارم: برتری (چشمگیر) خودی - پیروزی فاو تا شلمچه

مقطع پنجم: برتری عراق - پایان جنگ

(ماخذ یاد شده ص ۱)

مقطع پنجم: برتری دشمن - پذیرش قطعنامه

پس از والفجر ۱۰، جنگ وارد مرحله جدیدی شد که با وجود مدت کوتاه آن، نتایج تعیین کننده ای به بار آورد. در حالی که قوای اصلی نظام جمهوری اسلامی در جبهه های غرب انتظار حضور ارتش عراق را داشت، تعرض شدید و گسترده عراق در منطقه فاو به بسیاری از ابهامات و سئوالات پاسخ گفت.

عراق که در عملیات محدود خود موسوم به استراتژی دفاع متحرک* - پس از والفجر ۸ - توان نیروهای اسلام و وضعیت جبهه ها را محک زد، دریافته بود که برای تغییر جدی روند جنگ، توان بسیار بالاتری را لازم دارد. این روند جدید می توانست با بازپس گیری فاو شروع شود که هم روحیه مضاعفی به نیروهای دشمن می داد هم از دید دشمن باعث تزلزل کلی در اردوی خودی می گردید، زیرا فتح فاو پس از خرمشهر همواره به عنوان بزرگ ترین دستاورد دوران جنگ تا آن زمان مطرح بوده است.

دشمن قبلاً این آمادگی را کسب کرده بود و پس از کربلای ۴ می رفت که تعرضات اساسی خود را به خصوص

برای بازپس گیری فاو آغاز کند. اما اهمیت منطقه شلمچه که در کربلای ۵ مورد حمله رزمندگان قرار گرفت، به او اجازه نداد. ناچار وارد جنگی ناخواسته شد و انهدام اساسی ارتش عراق در کربلای ۵ دشمن را از دست یابی به برتری عمده مورد نظر برای شروع روند جدید جنگ دور کرد.

در والفجر ۱۰ برعکس کربلای ۵، دشمن با وجود فشار شدید سیاسی روانی از دست دادن حلبچه منفعل نشد و از درگیر شدن و تن دادن به انهدام در این جبهه پرهیز کرد و همچنان کسب آمادگی برای عبور از تعادل و توازن میان دو نیرو را مد نظر قرار داد و تلاش هایش را صرفاً به کسب توان و دست یابی به شرایط مورد نظر برای تهاجم اساسی معطوف کرد.

اقدامات دشمن بیانگر داشتن اطلاع کافی و تحلیل درست از وضعیت خودی بود، لذا آمادگی و حفظ توان خود را به حضور در منطقه عملیاتی حلبچه و احتمالاً تحمل تلفات ترجیح داد. بنابراین از حضور در غرب با علم به این که توان جمهوری اسلامی در آنجا صرف شده و جبهه های جنوب ضعیف گشته، خودداری و از فرصت به دست آمده به بهترین وجه استفاده نمود.

عراق در اواخر فروردین ۶۷ در حالی به فاو حمله کرد که جبهه خودی غافلگیر شد. بنابراین با وجود تلاش فرماندهان، به دلیل سرعت عمل دشمن که با کاربرد انبوه تجهیزات زرهی، آتش توپخانه و بمباران های شیمیایی و غیره توأم بود، امکان انتقال امکانات و نیرو به وجود نیامد، در نتیجه فاو ظرف ۲ روز به تصرف دشمن درآمد.

در تحلیل های موجود، بیشتر از اندازه لازم به غافلگیری خودی و تضعیف جبهه فاو به دلیل حضور در غرب، بها داده می شد، اما ادامه حرکات ارتش عراق و توان به کار گرفته شده نشان داد که غافلگیری خودی در جنوب، تنها عامل تسهیل موفقیت عراق در آغاز روند جدید جنگ بوده است و مسأله اساسی، موفقیت عراق در دست یابی به یک برتری استراتژیک در زمینه رزم زمینی است. عراق با اتکا به حمایت های بی دریغ

استکبار جهانی و ارتجاع منطقه در این مسابقه بر ما پیشی گرفته بود. در اینجا عقب ماندگی های اساسی ما در جنگ که سال ها گریبان گیر ما بوده و مرتباً عدم پیروزی های ما را سبب می شد، به خوبی آشکار گردید و مشخص شد که حتی در زمینه جذب و سازمان دهی نیروی انسانی که طبیعتاً ما باید برتر باشیم، عراق پیش افتاده است. در واقع ما شعار اصلی بودن جنگ را داده بودیم، اما دشمن آن را عمل کرده بود. بنابراین در شروع تهاجم جدید عراق، طی مدت کوتاهی دستاوردهای چندین ساله خودی بر باد رفت و با وجود تمام کوشش و آمادگی خودی در شلمچه، مجنون و... عراق با سهولت و سرعت پیش ناخت و حتی اساس حیثیت نظام و انقلاب اسلامی را مورد تهدید قرار داد. واضح بود که عقب ماندگی های چندین ساله را در طول چند ماه آن هم تحت فشارهای شدید ناشی از تهاجم دشمن نمی توان جبران کرد. بنابراین حتی از جبهه های ماوت و حلبچه عقب نشینی کردیم تا از نیروها و امکانات آن برای دفاع از جنوب استفاده شود.

اما این اقدامات نیز کافی نبوده و عراق در ۶۷/۴/۲۱ به حمله ای وسیع در محور حمیرین - زبیدات دست زد و با محاصره یگان هایی از ارتش جمهوری اسلامی، اسرای زیادی را که تا آن زمان بی سابقه بود به همراه مقدار قابل توجهی از امکانات و تجهیزات خودی با خود برد.

این گونه حرکات عراق حتی پس از نوشیدن جام زهر توسط حضرت امام (ره)، در جنوب ادامه یافت و در کنار آن منافقین به انجام عملیاتی در محور اسلام آباد - باختران دست زدند. حضور گسترده نیروهای مردمی در جبهه های جنوب و غرب، دشمن را که در صدد تداوم عملیات به قصد کسب امتیاز هر چه بیشتر بود، از ادامه کار منصرف کرد. مردم برای چندمین بار نشان دادند که جمهوری اسلامی قادر است یک بار دیگر همه چیز را از صفر شروع کند و عراق از این که بار دیگر در مردابی که ۸ سال در آن فرو رفته بود قدم بگذارد، پرهیز کرد و در مورخه ۶۹/۵/۲۹ آتش بس برقرار گردید. (ماخذ قبلی ص ۳۱-۳۰)

ردیف	یگان	شهید			مجروح		
		پاسدار	سرباز	بسیجی	پاسدار	سرباز	بسیجی
۱	لشکر ۵ نصر ۱	۳	۵	۴۳	۹۱	۷۱	۳۱۱
۲	لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع)	۱۶	۹	۵۶	۶۳	۴۷	۳۴۱
۳	لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)	۱۹	۱۴	۹۶	۱۲۷	۱۱۰	۶۲۶
۴	لشکر علی بن ابیطالب (ع)	۴	۳	۶۰	۳۲	۲۵	۱۹۳
۵	لشکر ۴۱ ثارالله	۲۶	۹	۶۳	۱۲۶	۷۷	۲۱۴
۶	لشکر ۲۵ کربلا	۱۵	۷	۵۴	۱۱۸	۱۳۱	۵۵۴
۷	تیپ ۲۱ امام رضا (ع)	۱	۱	۲۴	۳۲	۱۵	۱۳۱
۸	تیپ ۱۵ امام حسن (ع)	۴	-	-	۲	۶	۶
۹	تیپ ۶۲ بیت المقدس	-	-	-	-	-	-

جدول شماره (۱)

ردیف	یگان	میزان انهدام	تعداد
۱	تیپ ۴۴۳ پیاده	٪۸۰	۹۴ نفر
۲	تیپ ۷۰۵ پیاده	٪۹۰	۲۸۳ نفر
۳	تیپ ۴۱۷ پیاده	٪۸۰	۵۷ نفر
۴	تیپ ۵۰۱ پیاده	٪۴۰	۱۳ نفر
۵	تیپ ۹۵ پیاده	٪۴۰	۱ نفر
۶	تیپ ۴۲۵ پیاده	٪۳۰	۳۳ نفر
۷	تیپ ۷۰ زرهی	٪۷۰	۲۲ نفر
۸	تیپ ۵۹ مکانیزه	٪۷۰	۱۳ نفر
۹	تیپ ۶۵ نیروی مخصوص	٪۱۰۰	۱۲۶ نفر
۱۰	تیپ ۴ گارد ریاست جمهوری	٪۸۰	۶ نفر
۱۱	تیپ ۵ گارد ریاست جمهوری	٪۶۰	۱ نفر
۱۲	تیپ ۱۷۱ از لشکر ۳۵	٪۳۰	۴۰ نفر
۱۳	تیپ ۱۷۲ از لشکر ۳۵	٪۳۰	۲ نفر
۱۴	۲ گردان کماندوئی	٪۸۰	۳۰ نفر
۱۵	تیپ ۱ کماندوئی سپاه چهارم	٪۸۰	۶۰ نفر
۱۶	۲ گردان توپخانه	٪۵۰	-
۱۷	تیپ ۱۰۸	حدود ٪۴۰	-
۱۸	تیپ ۸۰۴	حدود ٪۴۰	-
۱۹	تیپ ۱۱۳ از لشکر ۱۹	٪۶۰	۴۲ نفر

جدول شماره (۲)